

مادونامه مطالعات میان رشته‌ای فرهنگ پیشگیری - سال اول - شماره هفتم - پیمار ۱۳۹۷ (شماره مسلسل ۷)

فرسنگ‌داری



مهم‌ترین مساله در سال ۹۷
از نگاه «پیمار»



کلرگاه‌بندی
دهه شصتی‌ها کجاست؟

حمایت از کالای ایرانی
در گرو اصلاح عوامل ۲ گانه





ماهنامه مطالعات میان رشته ای فرهنگ پذیری

فرهنگ پذیری

اختصاصی حوزه علوم انسانی

سال اول - شماره هفتم - بهار ۱۳۹۷

شماره مسلسل ۷

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

اشرف کریمی راهجودی

زیر نظر شورای نویسندگان

دبیر تحریریه:

مهرداد ابراهیمیان

بخش هنری:

سید مصطفی حسینی

سارا شیرازی

اشتراک

arhang@ejournalism.ir

دارای مجوز شماره ۷۶۸۵۵ هیئت نظارت بر مطبوعات صادره در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

نشانی اینترنتی: <http://ejournalism.ir>

روابط عمومی: rahjerdi632@gmail.com

شورای سردبیری: ۰۹۸ ۲۱۷ ۸۴۹۰ و ۰۹۸ ۹۱۲ ۲۹۳ ۱۶۵۴

مقالات منتشر شده دیدگاه نویسندگان آنهاست

فرهنگ پذیری در ویرایش، اصلاح و حک مطالب به گونه‌ای که به محتوای علمی آن آسیبی نرسد؛ آزاد است.



برای تصدیق مجوز فصلنامه شماره ۷۶۸۵۵ را به هیئت نظارت بر مطبوعات به شماره ۰۰۰۰۲۰۲۰۲ پیامک کنید.

کامپیوتر نوری

یادداشت

دولت زبان بریده و دلار افسار بریده

* آشکارا پیداست که رشد پرشتاب قیمت ارز، فضای روانی سنگین و ملت‌هپی کشور بوجود آورده است. شرایط به شکلی است که این التهاب و نگرانی با شتابی بیش از آهنگ رشد قیمت ارز می‌تواند رشد کند.

* قاعده حکم می‌کند که دولت و مقامهای ارشد بانک مرکزی، مستقیم و شجاع وارد میدان شوند و با مردم روشن و بی‌پرده و قانع‌کننده حرف بزنند. نه از آن حرفهای متداول و مرسوم بی‌ارزش و کلیشه‌ها که بوی تند بی‌محتوایی آن آزار جان است. بلکه سخنانی مبتنی بر واقعیت و احترام به شعور مردم. پشت و روی پرده را عیان کنند.

* دولت و بانک مرکزی اما ساکت و منفعل نشسته‌اند و آشفته بازار شبه خبرها و تحلیل‌های کم‌مایه یا حدس و گمانهای متنوع و متعدد وضع را آشفته‌تر از این می‌کند. بدتر از این کسانی که به هر حال در زمره مدیران کشورند چیزهایی می‌گویند که اگر نگویند و آنها هم ساکت بمانند ضررش کمتر است و حرفشان جز مبهم‌تر کردن و ملت‌هپی‌تر کردن مردم نتیجه‌ای ندارد.

* به عنوان نمونه مشاور رئیس‌جمهور، آقای حسام‌الدین آشنا توئیت‌های پر رمز و رازی در مورد علل افزایش نرخ ارز منتشر می‌کند که بیشتر شبیه معماهایی آشفته‌اند. یا آقای هادی قوامی، نماینده مجلس، در مصاحبه‌ای با خانه ملت، بی‌هر پایه و اساس و استدلالی حرف از احتمال دلار ۱۲ هزار تومنی می‌زند. آقای ترکان از خوبی‌های افزایش نرخ ارز می‌گوید. یعنی همه دست به دست هم داده‌اند تا همه چیز را خراب‌تر کنند.

* دولت زبان خودش را بریده است. مدیران ارشد دولتی جسارت حرف زدن ندارند. صدا و سیما مثل همیشه از تمام قافله عقب است. نمی‌توانند با مردم سخن بگویند.

* انفعال دولت و صدا و سیما در گفتگو با مردم در مورد مسأله قیمت ارز، همان اغتشاشی را که افزایش قیمت ارز در اقتصاد و بازار ایجاد کرده است، در فضای اطلاع‌رسانی مربوط به این افزایش ایجاد کرده است.

* معدودی هم که چیزی گفته‌اند آتقدر غیرمسئولانه و متکبرانانه و مبهم حرف زده‌اند که کار را خراب‌تر کرده است و بهتر بود آنها هم چیزی نمی‌گفتند.

* برای مهار قیمت ارز قدرت کافی شاید نیست، اما می‌توان با قدرت از آنچه گذشته و می‌گذرد با مردم سخن گفت و حقایق را با آنها در میان گذاشت.

* هنوز نمی‌خواهند بدانند که قدرت رسانه می‌تواند چه کند اگر مردم را بیگانه ندانند و با صداقت و حرفه‌ای از رسانه و سخن گفتن با مردم استفاده شود نه آنکه به بستن و فیلتر و این چیزها بیاورند.



حمایت از کالای ایرانی در گرو اصلاح عوامل ۴ گانه

مسعود نیلی

در این مقاله به اهمیت نقش ۴ عامل سیاستهای ارزی نادرست، فقدان تعامل سازمان یافته و منضبط تجاری، مالی و تولیدی با جهان، نظام بنگاه داری اقتصادی ناکارآمد و

محیط نامساعد اقتصاد کلان اشاره می شود

تولید ملک آری

شرایط متعارضی را که کشور ما طی چند دهه گذشته از نظر اهداف در یک طرف و عملکرد در طرف دیگر در زمینه تولید و تجارت پشت سر گذاشته، سوالات زیادی را در زمینه کارایی سیاست های اتخاذ شده در این زمینه به وجود می آورد که داشتن پاسخ قابل قبول برای آنها می تواند به عنوان چراغ راهنما برای تصحیح رویکردها در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

در این نکته تردیدی وجود ندارد که طی دهه های گذشته، مسئولین کشور همواره تاکید صادقانه بر ارتقای تولید داخلی داشته اند. از واردات بیزار بوده اند و امتیازات متعددی را برای تولید و جراثم سنگینی را برای واردات در نظر گرفته اند. دوره هایی بوده است که مهری به نام مهر عدم ساخت وجود داشته، به این معنی که فقط واردات کالاهایی مجاز بوده که "امکان" تولید آن ها در داخل وجود نداشته است.

تامین انرژی و آب ارزان، عرضه تسهیلات بانکی با نرخ سود واقعی منفی، فراهم آوردن بازار داخلی تضمین شده بدون رقیب خارجی، از جمله شرایطی بوده که طی چند دهه، تلاش سیاستگذار معطوف به تحقق آن بوده است.

اما امروز کجاییم؟ کالاهای ایرانی نیازمند آن هستند که مرتب بر حمایت از آنها تاکید شود. صادراتمان را عمدتاً محصولات خام یا بسیار نزدیک به خام تشکیل می دهد و در مقابل، وارد کننده محصولاتی هستیم که با همان مواد ساخته می شوند. کار به جایی رسیده است که اقتصاد ایران با پدیده ای تقریباً منحصر به فرد در مقیاس جهانی، به نام "قاچاق کالا" مواجه است. در حالیکه واژه قاچاق در کشورهای دیگر، محدود به اسلحه، انسان و مواد مخدر است، در کشور ما این واژه عمدتاً برای واردات غیر رسمی اقلامی از قبیل وسائل خانگی، پارچه، لباس و اقلام مشابه بکار برده می شود.

همه موارد ذکر شده ذیل سرفصلی قرار می گیرند که می توانیم آن را فقدان کیفیت مطلوب، یا در بهترین حالت، پایین بودن کیفیت محصولات تولید شده در کشور بنامیم. برای دو محصول با کیفیت مشابه، محصول ایرانی معمولاً بطور معناداری گرانتر و برای دو کالای هم قیمت، کالای ایرانی دارای کیفیت نازلتری است. چرا اینطور است؟ چرا آنچه محقق شده نه تنها با هدف تعیین شده مغایر است، بلکه کاملاً در نقطه مقابل آن قرار دارد.

در این نوشتار به اهمیت نقش ۴ عامل سیاستهای ارزی نادرست، فقدان تعامل سازمان یافته و منضبط تجاری، مالی و تولیدی با جهان، نظام بنگاه داری اقتصادی ناکارآمد و محیط نامساعد اقتصاد کلان اشاره می شود.

سیاستهای ارزی نادرست

سیاست های ارزی کشور طی ۴ دهه گذشته همواره مبتنی بر ثابت نگاه داشتن نرخ ارز، مستقل از تورم بوده است. از آنجا که این سیاست امکان تحقق عملی در بلند مدت ندارد، نرخ ارز در دوره هایی که منابع اقتصاد اجازه می داده ثابت نگاه داشته شده است و پس از آن، طی یک یا چند جهش به مقدار تعادلی خود رسیده است. اما این نحوه تعدیل نرخ ارز فقط به بی ثباتی دامن زده و اثرات آن بسیار متفاوت با شرایطی است که تعدیل نرخ بطور هموار صورت می گیرد.

به بازاریابی محصولات خارجی در داخل صورت گرفته است. به عنوان مثال، فرض کنید تورم داخلی ۲۰ درصد و تورم خارجی صفر باشد (صرفاً از جهت تسهیل محاسبات).

در این شرایط، اگر تلویزیون در داخل با کیفیت قابل رقابت ساخته شده و به قیمت ۴ میلیون تومان عرضه می گردید، در حالیکه قیمت جهانی تلویزیون مشابه وارداتی ۱۰۰۰ دلار و نرخ ارز ۴۰۰۰ تومان بود، مصرف کننده داخلی، در مقابل انتخاب دشواری قرار نمی گرفت و در چنین حالتی، بدون نیاز به وضع تعرفه، ترویج مصرف کالای ایرانی معنادار بوده و می توانست موثر باشد. اما با گذشت یکسال، قیمت تلویزیون داخلی با تورم ۲۰ درصد به ۴٫۸ میلیون تومان افزایش پیدا می کند در حالیکه تلویزیون خارجی با ثابت نگاه داشتن نرخ ارز، همچنان ۴ میلیون تومان ثابت مانده است. طبیعی است مصرف کننده داخلی هرچند اخلاقاً هم پایبند به مصرف کالای داخلی باشد، تلویزیون وارداتی را خواهد خرید و تولید تلویزیون در داخل بدون توجیه می ماند. اگر این شرایط را یکسال دیگر هم ادامه دهیم، قیمت تلویزیون تولید داخل، به حدود ۵٫۸ میلیون تومان می رسد و با ادامه این روند، طبیعی است که کارخانه داخلی تعطیل شده و کارگرانش بیکار می شوند.

حال فرض کنید در چنین شرایطی، تصمیم گیرندگان کشور، همزمان با تاکید بر تداوم تثبیت نرخ ارز، حمایت از تولید داخلی را نیز مورد تاکید قرار دهند. نتیجه چه می شود؟ افزایش قابل توجه تعرفه به اندازه ای که قیمت ۵٫۸ میلیون تومان تلویزیون ساخت داخل، کمتر از قیمت تلویزیون وارداتی باشد. در اینصورت لازم است بیش از ۴۵ درصد تعرفه برای تلویزیون وارداتی گذاشته شود تا تولید کننده داخلی بتواند بدون نگرانی نسبت به رقیب خارجی محصول خود را بفروشد.

اما با اعمال این سیاست، فاصله بیش از ۱٫۸ میلیون تومانی قیمت با و بدون تعرفه تلویزیون، این انگیزه را برای عده ای ایجاد می کند که خارج از مبادی رسمی وارداتی و در نتیجه بدون پرداخت تعرفه گمرکی، تلویزیون و اقلام مشابه را از طریق معابر کوهستانی و غیره، به کشور وارد کنند و اینچنین است که پدیده ای بنام کولبری، ته لنجی و سایر شقوق پنهان واردات شکل می گیرد. من نام این پدیده را "تجارت ضد انسانی" می گذارم. مشاهده صحنه هایی که هموطنان ما، جوانان رشید کشور، چگونه لوازم خانگی سنگین را بر دوش گرفته و از معابر سخت کوهستانی عبور می دهند، اشک بر چشم جاری می کند. این جوانان می توانسته اند کارگران آموزش دیده و ماهر کارخانه ای باشند که همان تلویزیونی را تولید کند که اکنون بر دوش گرفته اند و با خود می کشند! اما با

وقتی نرخ ارز در خلاف جهت تورم تثبیت می شود، بالاترین و موثرترین کمک به تولید کنندگان خارجی صورت گرفته و بیشترین صدمه به تولید کنندگان داخلی وارد می شود. تورم نسبی بالاتر، به معنی رشد بیشتر قیمت ها در داخل است. در حالیکه، بانابت نگاه داشتن نرخ ارز، قیمت کالای خارجی تقریباً ثابت باقی می ماند (با توجه به اینکه تورم کشورهای طرف تجاری نزدیک به صفر است). بنابراین، با اعمال این سیاست، بیشترین خدمت و بزرگترین کمک

بیایید چرخه‌ها را بچرخانیم

و ارتباط سازمان یافته ای با طرف های خارجی از نظر فروش تجاری (عمده فروشی) و ارائه خدمات پس از فروش شکل نگرفته است. حجم عظیمی از کالاهای مختلف مصرفی، به صورت خرده فروشی و در قالب های غیر رسمی وارد کشور می شود.

بنابراین مصرف کننده نه از ناحیه تولید کننده داخلی به دلایلی که ذکر شد از حقوق اولیه برخوردار است نه از ناحیه واردات بدون ارتباط سازمان یافته با تولید کنندگان خارجی. همچنین، تولید کننده داخلی هم در شرایط تعریف شده مشخصی از نظر رقابت با تولید کننده خارجی قرار نمی گیرد. یک کالای صنعتی معمولی مانند جاروبرقی یا ماشین لباسشویی، بر حسب شیوه ورود، با قیمت های کاملا متفاوت وارد کشور می شود و در نتیجه امکان مقایسه مبتنی بر محاسبات مشخص را از تولید کننده داخلی سلب می کند. نبود یک سازماندهی تعریف شده و بلند مدت تجاری، تولیدی و مالی با جهان، هزینه های مبادله را به شدت افزایش داده و تاثیر قابل توجهی را بر رقابت پذیری محصولات تولید شده در داخل گذاشته است.

نظام ناکارآمد بنگاه داری داخلی

در این نکته تردیدی نیست که تولید محصولات داخلی، در اصطلاح، گران در می آید. مطالعات انجام شده نشان می دهد که حدود ۷۰ درصد از تولید صنعتی کشور، توسط حدود ۳ درصد از بنگاهها که بنگاههای بزرگ هستند صورت می گیرد. از طرف دیگر، مطالعات انجام شده بیانگر آن است که در اقتصاد ایران، بهره وری کل عوامل تولید، رابطه عکس با اندازه بنگاهها دارد به این معنی که بهره وری بنگاههای بزرگ به میزان قابل توجهی کمتر از بنگاههای کوچک است. بخش بزرگی از این شرایط که به کاهش معنادار رقابت پذیری محصولات

اعمال سیاستهای نادرست و اصرار بر تداوم آن، این مهارت و آموزش آنها نیست که بکار می آید، بلکه زور بازو و قدرت فیزیکی رو به اضمحلال آنها است که به غیر انسانی ترین شیوه مورد استفاده قرار می گیرد. اینچنین است که پدیده قاچاق شکل می گیرد و مادام که این سیاست نادرست تداوم دارد، قاچاق کالا هم ادامه پیدا می کند.

از سوی دیگر، واردات بدون تعرفه در شرایطی که نرخ تعرفه بالا است، به امتیازی بزرگ تبدیل می شود. گروههایی که امکان استفاده از این شرایط را پیدا می کنند به مدافعان پرو پا قرص سیاست تثبیت نرخ ارز تبدیل می شوند. و اینچنین است که فساد مبتنی بر بهره مندی از رانت واردات بدون تعرفه برای گروههای خاص شکل می گیرد. یادمان باشد که همه اینها ریشه در تثبیت نرخ ارز مستقل از تفاوت معنادار تورم داخلی با تورم خارجی دارد.

وقتی در عرصه تصمیم گیری، از یک طرف چارچوب سیاستگذاری، شامل سیاست های ارزی و تعرفه ای، صحیح و در نتیجه خدشه ناپذیر و غیر قابل تغییر قلمداد شود و از طرف دیگر، ضعف تولید در مقابل واردات، قاچاق کالا و فساد به عنوان پدیده های مذموم اما مستقل از ریشه های سیاستگذاری آن، مورد نكوهش قرار گیرد، در واقع با حفظ علت بروز مشکل، به جنگ معلول همت گماشته ایم. فرایندی که انرژی زیاد اداری و مالی را صرف می کند و به نتیجه نمی رسد.

فقدان تعامل تجاری، مالی و تولیدی با جهان

ظرف حدود ۱۵ سال گذشته، میزان واردات سالانه کالا در دامنه ۳۰ تا ۸۵ میلیارد دلار در نوسان بوده که همواره حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد آن را کالاهای واسطه ای و سرمایه ای تشکیل می داده است.

شاید جای تعجب باشد که بخش عمده ای از این میزان از تبادل کالایی با جهان، در قالب هیچ قرارداد بلند مدت با طرف های خارجی صورت نگرفته

تولید شده در داخل منجر شده است، به محیط غیر رقابتی تولید مربوط می شود. ساختار مالکیتی بنگاههای بزرگ اقتصادی به شدت با سیاست آمیخته است. تعداد شاعلین و ترکیب شاعلین یک بنگاه بزرگ متعلق به بخش غیر خصوصی، معمولا با حد بهینه آن فاصله زیاد دارد. مدیران این بنگاهها معمولا تحت تاثیر معیارهای سیاسی انتخاب می شوند. در تعیین قیمت محصولات این بنگاهها معمولا مصلحت اندیشی های سیاسی به اشکال گوناگون نقش دارد. محدودیت های سیاسی در تنظیم مناسبات بین المللی در مورد این بنگاهها به مراتب بیشتر است. خلاصه آنکه ساختار مالکیت بنگاههای اقتصادی در ایران به ویژه پس از اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بسیار سیاسی تر شده و این خصوصیت، اثر قابل توجهی بر رقابت پذیری محصولات تولید شده توسط بنگاههای بزرگ داشته است.

محیط نامساعد اقتصاد کلان

محیط اقتصاد کلان طی دهه های گذشته از نظر شاخص های مرتبه اول مانند تورم، بازار ارز، نرخ های سود بانکی و بطور کلی ساختار کلان تامین مالی، و از نظر شاخص های مرتبه دوم، مانند حجم بودجه، تعادل بودجه، نظام مالیاتی، سیاستهای پولی و غیره در شرایط مساعدی نبوده است. شرایط نامساعد اقتصاد کلان، از طرق مختلف منجر به افزایش هزینه های مبادله می شود.

وقتی بنگاهی نتواند محیط اقتصاد کلان و محیط مناسبات بین الملل خود را پیش بینی کند، ناچار خواهد بود موجودی انبار مواد اولیه خود را بیش از حد بهینه نگهداری کند. وقتی عدم قطعیت زیاد است، بنگاه به سرمایه در گردش بیشتر نیاز دارد.

وقتی عدم قطعیت بالا است، بنگاه تمایل پیدا می کند که فعالیتهای خود را به صورت غیر بهینه متنوع کند تا ریسک پیش بینی ناپذیری را به حداقل برساند.

وقتی عدم قطعیت بالا است بنگاه کمتر سرمایه گذاری می کند. در مجموع محیط نامساعد اقتصاد کلان به ویژه بر عملکرد بنگاههای بزرگ به عنوان بنگاههایی که بخش اصلی تولید را برعهده دارند تاثیر قابل توجهی دارد و از این طریق، هزینه های مبادله و در نتیجه رقابت پذیری محصولات ایرانی را تحت تاثیر قرار می دهد.

جمع بندی

همانطور که اشاره شد، به عنوان یک واقعیت، شواهد به وضوح بیانگر آنند که محصولات ایرانی، بجز اقلامی که فاصله ای نزدیک با مواد خام دارند، عمدتا در مقایسه با محصولات ساخته شده در دیگر کشورها از کیفیت نازلتری برخوردارند.

این ضعف بزرگ که رشد اقتصادی و اشتغال را در معرض تهدید جدی قرار داده، به رغم آن است که مسئولین کشور همواره بر اهمیت تولید داخلی تاکید داشته اند.

در این مقاله، سیاستهای نادرست ارزی که بطور مشخص در جهت نقض هدف رقابت پذیری بوده، سیاستهای تعرفه ای و تجاری که شکل گیری پدیده ای منحصر به فرد بنام قاچاق محصولات صنعتی را در پی داشته، نبود ارتباط سازمان یافته تولیدی، تجاری و مالی با جهان، ساختار غیر خصوصی و غیر اقتصادی مالکیت بنگاههای اقتصادی و بالاخره، محیط نامساعد اقتصاد کلان، به عنوان عوامل اصلی به وجود آورنده این ضعف

بزرگ معرفی شدند.

بدون شک افزایش درآمد خانوارهای ایرانی و فائق آمدن بر مشکل بزرگ بیکاری، در گرو آن است که تولید کنندگان ایرانی محصولاتی با کیفیت مطلوب و قابل رقابت بسازند. دستیابی به این هدف تعیین کننده، هرچند به دست تولید کننده ایرانی محقق می شود اما، نیازمند اصلاح ۴ عامل ذکر شده از سوی نظام تصمیم گیری است.



تأثیر شبکه های اجتماعی بر نابودی نسل ها

رسانه های اجتماعی تبدیل به یک عامل مهم و بسیار رایج در جامعه شده است این به شما کمک می کند زمانی که تنها هستید با دیگران ارتباط داشته باشید و اطلاعات خود را به اشتراک بگذارید. رسانه ها به سرعت در حال رشد می باشد و به طور مداوم بروز رسانی می شوند. رسانه های اجتماعی خوبی و بدی هایی دارد که انسان را وسوسه می کند و به طرق مختلف نسل آینده را به خطر می اندازد.

– رسانه های اجتماعی باعث افسردگی و استرس می شوند

رسانه های اجتماعی راه خوب برای ارتباط افراد و اشتراک گذاشتن مطالب می باشد. رسانه اجتماعی مانند: فیس بوک، اسنپ چت و توئیتر و ... همه مکان هایی هستند که افراد همیشه می توانند خود را با دیگران مقایسه کنند. این نوع مقایسه ها باعث می شود که فرد دچار استرس شده و در نهایت به افسردگی تبدیل شود.

– رسانه های اجتماعی کاهش تعامل چهره به چهره است

در طول سالهای گذشته، به جای دیدار چهره به چهره، مردم در صفحات رسانه های اجتماعی چت می کنند. رسانه های اجتماعی باعث می شوند روابطی شخصی کاهش یابد. روابط شخصی با دیگران احساس راحتی را ایجاد نموده و در کمترین زمان تعاملات اجتماعی انجام می گردد. با توجه به اینکه افراد در شبکه های رسانه ای می توانند مطلبی اضافه یا حذف نمایند ولی باعث شده است که کاربران ارتباط خود را در سطح شخصی با دیگران و تشویق انزوای اجتماعی را از دست بدهند.

– رسانه های اجتماعی مانع بهره‌وری می شوند

رسانه های اجتماعی به راحتی می توانند تمامی کارها را مختل نمایند بیش از ۵۰ درصد از مردم در هنگام کار از حساب های رسانه های اجتماعی استفاده می کنند که باعث از دست رفتن وقت می شود ظرف ۳۰ دقیقه در رسانه های اجتماعی روزانه می تواند به یک شرکت ۵۰ نفره هزینه ای بالغ بر ۶۵۰۰ ساعت بهره‌وری در سال داشت و دلیل آن استفاده زیاد از رسانه های اجتماعی می باشد این کاهش بهره‌وری باعث تنبلی، عدم تمرکز، ریزش نمرات دانشجویان و کاهش مشاغل کارکنان می گردد.

– رسانه های اجتماعی اطلاعات شخصی را گسترش می دهد

اطلاعاتی که در اینترنت وجود دارد هرگز نمی توان آن را حذف نمود اگر شماره تلفن شما در رسانه های اجتماعی منتشر شود دیگر نمی توانید آن را حذف نمایید پس همواره مراقب باشید اطلاعات شخصی دیگران مانند اطلاعات شخصی شما نیستند و آنها را منتشر نکنید حتی اگر آنها منتشر نموده باشند. با گسترش انتشار اطلاعات در فضای مجازی باعث شده است که سرقت هویت و حملات هکری افزایش یابد.

– رسانه های اجتماعی تأثیر منفی بر سلامت روان دارد

استفاده از رسانه های اجتماعی باعث ایجاد رفتارهای اعتیادآور و مشکلات اجتماعی شده است این رسانه باعث تنهایی، افسردگی، اضطراب، اختلالات خوردن و خودکشی را افزایش دهد. به طور کلی، مردم باید از رسانه های اجتماعی درست استفاده کنند تا به نسل های بعدی منتقل گردد چرا که فناوری در نسل های بعد گسترش یافته و بر روی رفتار کاربران تأثیر می گذارد.

گلوگاه بعدی دهه شصتی ها کجاست؟



می شود، تا حدودی می تواند بار مالی ناشی از افزایش نسبت وابستگی بزرگسالی را کاهش دهد. البته این امر مستلزم برنامه ریزی دقیق برای استفاده از پنجره فرصت جمعیتی و تبدیل آن به سود جمعیتی است. با این توضیح، این گزارش در ابتدا انتقال جمعیتی و تأثیر آن بر تغییرات ساختار سنی بررسی شده و پس از آن مروری بر سیستم های تامین اجتماعی و بازنشستگی و تجارب کشورها در اصلاحات سیستم بازنشستگی و پیامدهای اقتصادی تغییرات ساختار سنی را مورد ارزیابی قرار داده است.

* مفهومی پنجره جمعیتی

این گزارش با بررسی عوامل موثر در انتقال جمعیتی نظیر تغییرات در سطح و علل مرگ و میر، موفقیت در کنترل بیماری های عفونی و کاهش باروری، معتقد است که انتقال جمعیتی باعث شده که جوامع سنتی که تقریباً جوان بودند، به جوامعی تبدیل شوند که تعداد افراد میانسال و سالمند در آنها به سرعت رو به افزایش است. پنجره فرصت جمعیتی پیامد فرآیند انتقال جمعیتی است که به دنبال کاهش مرگ و میر و باروری و تغییرات ساختار سنی ایجاد می شود. در فرآیند انتقال جمعیتی جوامع با کاهش مرگ و میر وارد مراحل انتقال می شوند و سطح باروری در این جوامع بسته به مورد، با چند سال تأخیر شروع به کاهش می کند. طبق تعریف این گزارش، در مراحل ابتدایی انتقال جمعیتی که باروری هنوز بالاست، ساختار جمعیت رو به جوانی می گراید و نسبت بالایی از جمعیت در سنین کودکی و نوجوانی هستند، اما با کاهش باروری و انتقال جمعیت کودکان و نوجوانان به سنین بالای ۱۵ سالگی نسبت وابستگی سنی رو به کاهش می گذارد و جامعه وارد فاز پنجره جمعیتی می شود. سازمان ملل نسبت جمعیت جوانان ۳۰ درصد و نسبت جمعیت سالخوردگان ۱۵ درصد را به عنوان آستانه نسبت وابستگی

از حدود ۸ درصد در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۰ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت. در نتیجه این تغییرات نشان از تحولات شگرفی در ساختار سنی جمعیت کشورهای مختلف جهان دارد که فرآیندها، علل و پیامدهای آن در متن انتقال جمعیتی و تغییرات توزیع سنی متأثر از آن قابل طرح هستند. محققان حوزه جمعیت شناسی بر این عقیده اند که سالمندی جمعیت پدیده ای اجتناب ناپذیر، دائمی و جهان شمول است که در حال حاضر تمام کشورهای صنعتی و برخی از کشورهای جهان سوم با آن دست به گریبان هستند و به زودی سایر کشورها نیز از آن متأثر خواهند شد.

این گزارش معتقد است که تغییرات ساختار سنی جمعیت پیامدهایی در سطح خرد و کلان به دنبال دارد و در صورت عدم مدیریت صحیح می تواند به تضعیف کیفیت زندگی در سنین مختلف و فشار مالی بر سیستم بازنشستگی و دولت ها بینجامد. تغییرات ساختار سنی جمعیت به سمت سالخوردگی علاوه بر کاهش عرضه نیروی کار، تحمیل بار مالی بر حکومت ها، به دلیل بالا بودن هزینه بالای سالخوردگان، فشار مضاعفی را نیز بر صندوق های بازنشستگی تحمیل خواهد کرد که به دلیل ارتباط زیاد دولت با صندوق های بازنشستگی در ایران هزینه آن به دولت و جامعه بازمی گردد و تجربه نشان داده است که در صورت عدم مدیریت این بخش معضلات زیادی گریبان گیر جامعه و مستمری بگیران خواهد شد. این گزارش نکته مهمی را در خصوص کشورهایی که در مراحل پایان پنجره فرصت جمعیتی قرار دارند اشاره می کند که تأثیر منفی سالخوردگی از طریق پس اندازهای افراد جبران یا محدود می شود. در این مکانیسم، پس اندازهایی که در دوره پنجره فرصت جمعیتی انجام شده است، منجر به افزایش نسبت سرمایه به نیروی کار می شود. این پدیده که از آن به عنوان سود جمعیتی دوم یاد

پایین در نظر گرفته است. از دیدگاه جمعیت‌شناختی این تغییرات در ساختار سنی ویژگی دورمای است که سود جمعیت در آن به‌وقوع می‌پیوندد و اگر این شرایط با برنامه‌ریزی مناسب به رشد و توسعه اقتصادی بینجامد، از آن تحت عنوان سود جمعیتی یاد می‌شود.

بنابراین سود جمعیتی، عبارت است از بهبود رشد اقتصادی در کشورها از طریق تغییر در ساختار جمعیت کشور که به دنبال انتقال از سطوح بالای باروری و مرگ و میر به سطوح پایین آغاز می‌شوند. این گزارش رمز موفقیت حاصل از سود جمعیتی را در کشورهایی می‌داند که سرمایه‌گذاری بالایی در سرمایه انسانی، سیاست‌گذاری اقتصاد آزاد و حکمرانی و الزامات سیاسی ضروری پایدار برای ایجاد فرصت‌های لازم انجام داده‌اند. با توجه به اینکه ۷۰ درصد جمعیت در سن فعالیت و اشتغال و کمتر از ۶ درصد در سن سالخوردگی قرار دارد، بر اساس معیارهای سازمان ملل ایران در وضعیت پنجره فرصت جمعیتی و به زعم بسیاری از جمعیت شناسان ایران در دوران «طلایی جمعیتی» قرار دارد. اما به گفته این گزارش، پنجره فرصت جمعیتی همیشه باز نخواهد ماند، در ایران نیز این رخداد از ابتدای دهه ۲۰۳۰ میلادی آغاز خواهد شد و در سال ۲۰۴۵ که نسبت جمعیت بالای ۶۵ ساله به بیش از ۱۵ درصد افزایش می‌یابد، بسته خواهد شد. بنابراین، ایران تا ۳۰ سال آینده در شرایط پنجره فرصت جمعیتی خواهد بود. این پژوهش در ادامه آمارهای نسبت‌های جمعیتی را به تفصیل بررسی کرده که نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰ نرخ رشد جمعیت سالخورده در اثر ورود نسل مربوط دهه ۶۰ به سنین سالمندی با افزایش شدیدی مواجه خواهد بود و همزمان با خروج این نسل از جمعیت و ورود متولدین نسل‌های مربوط به باروری پایین، نرخ رشد جمعیت سالخورده نیز به شدت سقوط خواهد کرد و به زیر عدد صفر نیز خواهد رسید.

در ادامه نسبت‌های وابستگی عمدتا با یک رویکرد اقتصادی مطرح شده است و تغییرات در آن در یک حالت کلی، سهم تغییرات ترکیب سنی و به تغییرات در وابستگی اقتصادی را منعکس می‌سازد.

شاخص نسبت وابستگی یا بار تکفل شاخصی است که نسبت بین افراد در سن اشتغال و خارج از این سنن را نشان می‌دهد. پایین بودن این شاخص بیانگر سطح مطلوب رفاه اقتصادی جامعه و قدرت پس‌انداز بیشتر است. برعکس هر چه مقدار شاخص وابستگی بالاتر باشد، فشار وارده بر جمعیت شاغل برای تامین معاش افراد تحت تکفل فزونی گرفته و سطح رفاه کاهش می‌یابد. نسبت وابستگی از تقسیم جمعیت کمتر از ۱۵ سال و بالای ۶۴ سال، به جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال به دست می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد این رقم در سال ۱۳۵۵ در سطح ۹۲/۰ قرار داشت که این رقم برای سال ۱۳۹۵ به اندازه ۳۲/۰ رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های آینده این رقم افزایش می‌یابد و تا سال ۱۴۲۰ این رقم به ۴۷/۰ می‌رسد وتا سال ۱۴۴۰ نیز رقم نسبت وابستگی به ۶۵/۰ خواهد رسید.

***پیامدهای اقتصادی سالمندی**

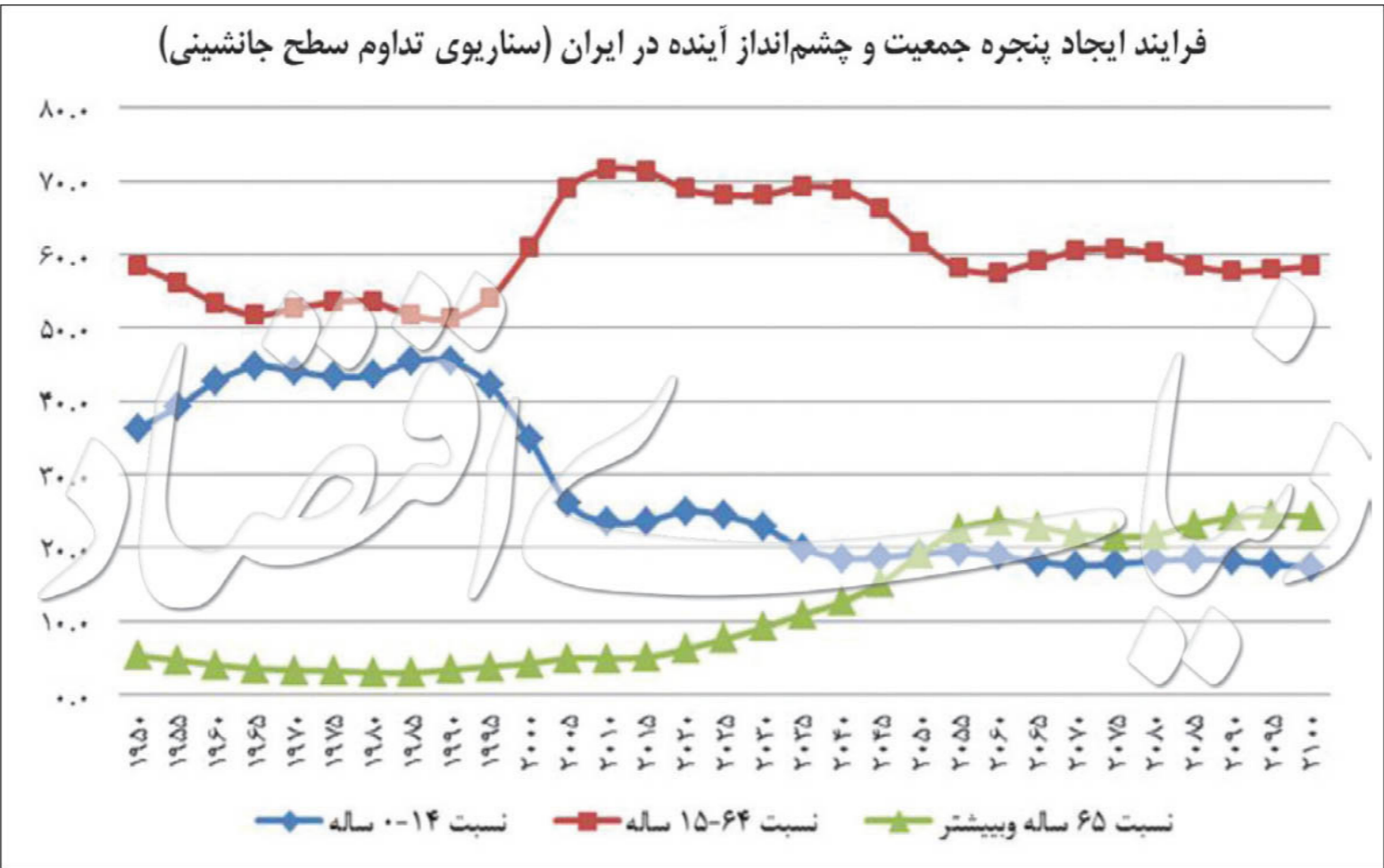
این گزارش در ادامه به تشریح پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت پرداخته است. بر اساس این گزارش، سالخوردگی جمعیت به‌عنوان یکی از پیامدهای انتقال جمعیتی دارای پیامدهای متعددی در سطوح مختلف اقتصادی و اجتماعی است. یکی از پیامدهای اقتصادی سالخوردگی جمعیت به هم خوردن نسبت جمعیت واقع در سن فعالیت و جمعیت خارج از این سن است. سالمندی جمعیت از یک‌سو تعداد جمعیت واقع در سنین فعالیت که تولیدکنندگان واقعی اقتصاد و فراهم‌کنندگان درآمدهای مالیاتی دولت‌ها هستند، کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، بر تعداد مصرف‌کنندگان و مستمری بگیران افزوده می‌شود. دیگر چالش مرتبط با افزایش نسبت جمعیت سالمند را می‌توان با افزایش هزینه‌ها مرتبط با سلامت مطرح کرد. همچنین در نتیجه افزایش تعداد و نسبت جمعیت سالمندان، انتقالات عمومی دولت شامل هزینه‌های مستمری بازنشستگی و

سایر کمک‌های عمومی افزایش می‌یابد و این پدیده می‌تواند فشار مضاعفی بر بودجه عمومی دولت وارد سازد.

***اثر گذاری جمعیت بر شاخص بازار کار**

کاهش باروری در مراحل اولیه انتقال جمعیتی، به دلیل اینکه نسبت جمعیت واقع در سن فعالیت را افزایش می‌دهد، مطلوب بسیاری از کشورها بوده است، ولی با ورود جمعیت به سنین سالمندی وضعیت متفاوت تری به تصویر کشیده می‌شود. یکی از چالش ها، کاهش نسبت جمعیت واقع در سن فعالیت است. در واقع جمعیت فعال تولیدکنندگان واقعی جامعه هستند و کاهش یا افزایش در جمعیت فعال از یک سو تولید را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر،

در ۳۰ سال آینده به ۳ نفر سقوط می‌کند و هر سه نفر جمعیت بالقوه فعال باید یک نفر جمعیت واقع در سنین سالخوردگی را حمایت کند. اگر نرخ مشارکت اقتصادی را حدود ۴۰ درصد فعلی در نظیر بگیریم، به ازای هر نفر جمعیت واقع در سن سالخوردگی، کمتر از ۵/۱ نفر شاغل وجود خواهد داشت. این مشکل زمانی حادتر می‌شود که جمعیت وابسته کودکان و افراد غیرفعال نیز وارد معامله شود. یعنی حدود ۴۰ درصد از جمعیت فعال جامعه علاوه بر تامین نیازهای خود باید بار جمعیت عظیم غیرفعال جامعه را که نسبت بالایی از آنها در سنین کهولت قرار دارند، به دوش بکشند. این روند منجر به این خواهد شد که از یک طرف، بخش اعظمی از بودجه دولتی صرف برطرف ساختن نیازهای روزمره جمعیت مصرف‌کننده کشور شود و از طرف دیگر، دولت در نبود سایر درآمدها، مجبور به



کاهش نسبت جمعیت فعال به معنی افزایش نسبت جمعیت مصرف‌کننده است و نسبت بالایی از تولیدات به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به مصرف خواهد رسید. نسبت وابستگی سنی که نشان می‌دهد به ازای هر یک نفر جمعیت واقع در سن فعالیت، چند نفر خارج از آن قرار دارد. در سال ۱۳۹۰، به ازای هر یک نفر جمعیت واقع در سن فعالیت حدود ۴/۰ نفر خارج از این سن بوده است. نسبت وابستگی سنی در سال‌های آینده روند صعودی خواهد داشت و این روند تحت تاثیر افزایش تعداد و نسبت جمعیت ۶۵ سال و بیشتر رخ خواهد داد. همچنین نسبت وابستگی سالمندان نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰، به ازای یک نفر جمعیت واقع در سنین فعالیت، ۰/۸ نفر از جمعیت در سن سالخوردگی بوده است. نسبت وابستگی سالمندان همراه با رشد نسبت سالمندان به سرعت افزایش یافته و در ۴۰ سال آینده به ۳۴/۰ خواهد رسید. یکی از اعداد جالب دیگر این گزارش، شاخص نسبت حمایت بالقوه است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰، هر یک نفر از جمعیت سالمندان توسط ۹ نفر از جمعیت فعال حمایت می‌شود. این رقم

در ۳۰ سال آینده به ۳ نفر سقوط می‌کند و هر سه نفر جمعیت بالقوه فعال باید یک نفر جمعیت واقع در سنین سالخوردگی را حمایت کند. اگر نرخ مشارکت اقتصادی را حدود ۴۰ درصد فعلی در نظیر بگیریم، به ازای هر نفر جمعیت واقع در سن سالخوردگی، کمتر از ۵/۱ نفر شاغل وجود خواهد داشت. این مشکل زمانی حادتر می‌شود که جمعیت وابسته کودکان و افراد غیرفعال نیز وارد معامله شود. یعنی حدود ۴۰ درصد از جمعیت فعال جامعه علاوه بر تامین نیازهای خود باید بار جمعیت عظیم غیرفعال جامعه را که نسبت بالایی از آنها در سنین کهولت قرار دارند، به دوش بکشند. این روند منجر به این خواهد شد که از یک طرف، بخش اعظمی از بودجه دولتی صرف برطرف ساختن نیازهای روزمره جمعیت مصرف‌کننده کشور شود و از طرف دیگر، دولت در نبود سایر درآمدها، مجبور به

صندوق‌های بازنشستگی است. مساله زمانی چالش برانگیزتر می‌شود که افزایش امید به زندگی که باعث می‌شود بازنشستگان مدت طولانی‌تری مستمری دریافت کنند نیز وارد معادله می‌شود. نسبت بازنشستگان تامین اجتماعی به کل جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر در سال ۱۳۹۳ رقمی بیش از ۴۰ درصد بوده است. با توجه به جمعیت بالای ۶۰ سال و با فرض حفظ نسبت ۴۰ درصد ذکر شده و ثبات در سایر عوامل، تعداد بازنشستگان در سال ۱۴۰۰ به ۳ میلیون و ۴۸۷ هزار نفر و در سال ۱۴۲۰ به ۷ میلیون و ۴۳۹ هزار نفر خواهد رسید. این رقم در سال ۱۴۳۰ به بالای ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید. بدیهی است که تامین مستمری برای چنین جمعیت عظیمی نیازمند برنامه‌های دقیق و پیش‌بینی‌های لازم است و این مساله نیز نباید فراموش شود که با توجه به بالا بودن هزینه‌های سلامت این گروه سنی، هزینه‌هایی نیز از این جهت متوجه سازمان تامین اجتماعی خواهد بود

***افزایش هزینه‌های سلامت**

مطالعات انجام شده و منابع مختلف در مورد هزینه‌های بهداشتی و ساختار سنی نشان دهنده این است که جمعیت سالخورده دارای هزینه‌های بهداشتی بالاتری نسبت به جمعیت با ساختار جوان تر است و هزینه‌های سلامت جمعیت از سن ۶۵ سالگی تا زمان مرگ، بیش از ۵ برابر کل هزینه‌های صفر تا ۶۵ سالگی است. همچنین هزینه‌های سلامت سال آخر عمر افراد، دو برابر کل عمر آنان برآورد شده است. بنابراین هزینه‌های سلامت در سنین سالخوردگی بسیار بالاست و جمعیتی که ۲۰ درصد آن در سنین ۶۵ سالگی و بیشتر باشد، هزینه‌های جمعیت صفر تا ۶۵ سالگی برابر با هزینه‌های ۶۵ سالگی و بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، هزینه‌های سلامت ۲۰ درصد جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر، برابر با هزینه‌های جمعیت زیر ۶۵ ساله خواهد بود. بنابراین برای حفظ وضع سلامت جمعیت در وضعیت فعلی، به ازای هر یک درصد افزایش در نسبت جمعیت سالخورده ۶۵ ساله و بیشتر، باید اعتبارات هزینه‌ای در این بخش به اندازه ۴ تا ۵ درصد افزایش یابد.

***افزایش سهم انتقالات عمومی در بودجه**

انتقالات عمومی عبارت است از باز تخصیص منابع و حمایت‌ها توسط دولت‌ها یا حکومت‌ها. هزینه‌هایی که دولت صرف سلامت، رفاه و تامین اجتماعی می‌کند نیز بخشی از انتقالات عمومی هستند. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از هزینه‌های سالیانه در کشور مربوط به رفاه و تامین اجتماعی است و بخش زیادی از هزینه‌های این بخش نیز صرف پرداخت مستمری‌های بازنشستگی در کشور می‌شود، بدیهی است که افزایش نسبت جمعیت واقع در سن بازنشستگی، مستلزم افزایش نسبت اعتبارات این بخش به کل اعتبارات هزینه‌ای خواهد بود. با فرض ثبات نسبت بازنشستگان به کل جمعیت ۶۰ ساله در سال‌های آینده و با توجه به رشد جمعیت سالخورده ۶۰ ساله و بیشتر در سال‌های آتی و تداوم کیفیت فعلی رفاه و تامین اجتماعی در کشور نیازمند افزایش ۴ درصدی در ارزش اعتبارات هزینه‌ای در بخش رفاه و تامین اجتماعی خواهیم بود. همچنین به گفته این گزارش با توجه به اینکه بیش از ۴۳ درصد کل اعتبارات هزینه‌ای مربوط به فصول بهداشت و سلامت و رفاه و تامین اجتماعی است و سالخوردگی جمعیت نیز ارتباط تنگاتنگی با افزایش هزینه‌ها در بخش‌های مذکور دارد، افزایش نسبت و حجم جمعیت سالمند، مستلزم افزایش اعتبارات هزینه‌ای در این دو فصل است و برای حفظ وضع فعلی سلامت در جامعه هزینه‌های این فصول باید همگام با افزایش نسبت سالمندان افزایش یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۹۵ درصد منابع لازم در بودجه صندوق بازنشستگی لشکری و کشوری در سال ۱۳۹۵ توسط دولت تامین شده است. با توجه به کسری جدی منابع در این صندوق‌ها و سیستم ضعیف حاکم که مبتنی بر سیستم DB_PAYGE است، انجام اصلاحات لازم در این صندوق‌ها ضروری است. سیستم بازنشستگی فعلی باید به سیستمی تبدیل شود که مشوق بازنشستگی پیش از موعد و حساس به بحران‌های اقتصادی و نوسانات نرخ تورم نباشد.



مهم ترین مساله در سال ۹۷ از نگاه «عباس عبدی»

یک تحلیلگر سیاسی اصلاح طلب معتقد است: مهم ترین مساله در سال ۹۷ بازسازی رابطه است. باید بین مردم و حکومت رابطه کارگزار و کارفرما و مبتنی بر قانون بویژه قانون اساسی شکل بگیرد؛ رابطهای مبتنی بر پاسخگویی و مبتنی بر کارفرما و کارگزار و نهادهای متناسب با آن. این یک مساله است، مساله دیگری که در کنار این بسیار اهمیت دارد و به شکلی به یکدیگر مربوط است، ضرورت رسیدن به تفاهم عمومی بویژه میان سنت و مدرنیته در جامعه است.

شفقنا نوشت: سال ۹۶ با آغازی پر نشاط و پرهیاهو، انتخاباتی را ثبت کرد که امیدهای جامعه به بهبود اوضاع را افزود اما در واپسین روزهای سال، بخشی از جامعه، سرخورده و ناامید در پی روزنه ایست که بر آن بیاویزد بلکه از رنج بگریزد. آمارهای اقتصادی و هشدادهای جامعه شناسان، خبرهای خوبی ندارند و گفتمان فاجعه و بحران، جامعه را دربر گرفته است. آیا راه حلی برای برون رفت از وضعیت کنونی وجود دارد؟

این موضوع را در گفت و گویی با عباس عبدی، تحلیلگر مسایل روز در میان گذاشتم. او مساله کلیدی جامعه را ضعف همبستگی اجتماعی می داند و معتقد است شکاف میان سنت و مدرنیته در سال ۹۶ عمیق تر از حد قابل تحمل شد. عبدی در این گفت و گو پیشنهادهایی برای عبور از بحران های امروز ایران یا کم کردن هزینه های آن ارائه می دهد.

سال ۹۶ به لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سالی پر افت و خیز بود. تصویر شما از ایران ۹۶ و وضعیت کنونی چگونه است؟ آیا جامعه چنانچه برخی می گویند در مسیر فروپاشی اجتماعی قرار گرفته است؟

عبدی: سال ۹۶ یک سال ویژه در تاریخ سیاسی ایران است و جامعه ایران از یک مرحله به مرحله دیگری وارد شده است. همانطور که گاهی تحولاتی کمی رخ می دهد و به تدریج و در یک مقطع، تبدیل به کیفیت می شود، به نظر من در سال ۹۶ در جامعه ایران، یک تحول کیفی رخ داد و آن، اینکه حکومت و ساختار سیاسی دیگر قادر به کنترل مردم از طریق ابزارها و شیوهها و نهادهای قبلی نیست؛ نه از طریق نظام آموزش و پرورش، نه نیروی نظامی و انتظامی، نه سازو کار ایدئولوژیک و فکری و از همه مهم تر نه از طریق نظام رسانه ای؛ دیگر قادر به کنترل جامعه نیستند و در این جریان؛ طرف مردم تقویت شده است. از یک طرف جامعه و مردم تقویت شده اند، آن طرف نیز قدرت لزوماً به گونه ای عمل نمی کند که مطلوب جامعه باشد. در نتیجه میان این دو ناسازگاری پیدا شده است و تا هنگامی که این ناسازگاری در حد معقول حل نشود، امکان ندارد جامعه به حدی از ثبات و آرامش برسد.

از حدود ۱۵ سال پیش معتقد بودم که شاخص های ما فروپاشی اجتماعی را نشان می دهد

تنها راه این است که یک بازسازی جدی در ساخت سیاسی و اجتماعی ایران صورت گیرد

وضعیت نهاد رسانه در حد فاجعه است

باید نهاد رسانه و عدالت، بازسازی جدی شوند

نهاد حکومت باید به کارکرد اصلی خود بازگردد و در امور جزئی دخالت نداشته باشد

نهاد دین باید جایگاه ترویج اخلاق و معنویت را دوباره از آن خود کند

دیگر حفظ جامعه با شیوه های گذشته و سنتی امکان پذیر نیست

دوباره اینکه گفته می شود جامعه در مسیر فروپاشی اجتماعی است، من از گذشته و از حدود ۱۵ سال پیش معتقد بودم که شاخص های ما این را نشان می دهد؛ اما چرا فروپاشی رخ نمی داد؟ قبلاً توضیح داده ام که اتحاد شکلی به دلیل قدرت دولت بود. دولت، قدرت داشت و می توانست این ساختمان را حفظ کند؛ علیرغم اینکه ساختمان به لحاظ ذاتی و نیروهای داخلی خود قابل حفظ کردن نبود و دیگر نهادهای مختلفش آنقدر قدرت و اثرگذاری نداشتند که بتوانند خود و جامعه را حفظ کنند بنابراین تنها دولت بود که با اتکا به قدرت سخت افزاری خود جامعه را حفظ

می کرد. در حال حاضر با توجه به آنچه در ابتدا گفتیم، این قدرت و وضعیت تضعیف شده و دولت نمی تواند در آینده نزدیک حتی این کار را انجام دهد بنابراین تنها راه این است که یک بازسازی جدی در ساخت سیاسی و اجتماعی ایران صورت گیرد و نهادهای مختلف، به طور مشخص نهاد رسانه و عدالت، بازسازی جدی شوند. وضعیت نهاد رسانه در حد فاجعه است؛ نهاد آموزش و پرورش به همین ترتیب. نهاد حکومت نیز باید به جایگاه و کارکرد اصلی خود بازگردد و در امور جزئی و غیرحاکمیتی دخالت نداشته باشد و نهادهای مدنی تقویت شوند. نهادهای مدنی قوام دهنده و استحکام دهنده جامعه هستند. نهاد دین نیز باید ساختار و چارچوب کلی نقشی که می تواند در جامعه داشته باشد را مشخص کند و این نقشی که هم اکنون در جامعه دارد را نمی تواند ادامه دهد و باید جایگاه ترویج اخلاق و معنویت را دوباره از آن خود کند. که این خلاء مساله کلیدی جامعه ماست. بنابراین اینکه این جامعه با شیوه های گذشته و سنتی حفظ شود دیگر امکان پذیر نیست. مگر اینکه یک بازسازی جدی انجام شود اما اینکه فکر می کنیم، حفظ نمی شود و فرو می ریزد منظور امروز و فردا نیست و این برحسب اتفاقاتی است که می تواند به وجود بیاید. در اصل ماجرا شکلی وجود ندارد.

امروز برخی صاحب نظران از زوال همبستگی اجتماعی و انقطاع فرهنگی اجتماعی سخن می گویند؛ شما این دیدگاهها را می پذیرید؟ اگر بله، شواهد این زوال

یا انقطاع را چه مسایلی می دانید؟

عبدی: برداشت از تعبیر زوال همبستگی اجتماعی درست مطرح نشده است و آنچه آقای گودرزی مطرح می کند احساس زوال اجتماعی است نه اینکه زوال اجتماعی رخ داده است. این احساس، شدیدتر از آن چیزی است که در واقعیت جامعه ما وجود دارد و البته خود این احساس هم بسیار اهمیت دارد؛ بنابراین آنچه مساله کلیدی جامعه ماست، ضعف همبستگی اجتماعی و فقدان انسجام اجتماعی است که به دلیل مسایلی که گفتیم به وجود آمده است. انسجام اجتماعی از طریق کارکرد درست نهادها اعم از نهاد دین، نهاد آموزش، نهادهای مدنی، نهاد حکومت، نهاد اقتصاد، نهاد خانواده و نهاد رسانه است که شکل می گیرد. در جامعه ما بخش اعظم این نهادها غیر کارکردی شده اند و بیشترشان کارکرد خود را به نحو موثر ایفا نمی کنند بنابراین انسجام از بین رفته و توضیح آن بحث مفصلی است. در این میان نیز به شکل ناهنجاری، فردیت جای آن انسجام و همبستگی عمومی و ملی را گرفته است بنابراین گزاره مورد نظر شما تا این حد درست است اما اگر تصور کنیم زوال اجتماعی رخ داده است، درست نیست. آن نظر، مبتنی بر احساس زوال است و البته جامعه ایران نقاط پویایی خود را دارد و باید آنها را تقویت کرد و اجازه نداد که در عمل به این زوال منتهی شود.

آیا این وضعیت در مسیر توسعه امری طبیعی است و جوامع هم سطح ایران

چنین تجربیاتی داشته‌اند یا به روحیات ایرانیان بازمی‌گردد؟ این مساله چه تبعات سیاسی با خود دارد؟

✱ در طول زمان جامعه مدرن‌تر شده در حالیکه قدرت سنتی مانده است

✱ شکاف میان سنت و مدرنیته در سال ۹۶ عمیق‌تر از حد قابل تحمل شد

✱ در سال ۹۶ دو بخش مدرن و سنتی جامعه به توازن قوا رسیدند و حاضر نیستند یکدیگر را به رسمیت بشناسند

✱ مشکل چگونگی تعامل و تفاهم میان حاملان سنت و مدرنیته است

عبدی: بخشی از این واقعیات، طبیعت هر جامعه‌ای است. در سال ۹۶ اتفاقی که رخ داده این است که یک جایجایی کلی صورت گرفته است. به این معنا که در طول زمان جامعه مدرن‌تر شده در حالیکه قدرت سنتی مانده است و در سال ۹۶ این تحول کیفی شده و به مرحله‌ای رسیده که این شکاف عمیق‌تر از حد قابل تحمل شده است. منظور شکاف میان سنت و مدرنیته است. بخش‌هایی از جامعه خواهان آینده بهتر، سبک زندگی جدید، اندیشه‌های متفاوت و انواع ارزش‌های مدرن است در برابر بخشی دیگر که سنت است صف‌آرایی کرده‌اند. مشکل ما در سال ۹۶ این است که دو بخش به توازن قوا رسیده‌اند و هیچکدام حاضر نیستند یکدیگر را به رسمیت بشناسند و حاضر نیستند با هم کنار بیایند در حالی که هیچکدام نمی‌توانند یکدیگر را به طور قطع و یقین حذف کنند. بنابراین با چنین بحرانی مواجهیم. بحرانی که عبور از آن در کشورهای اروپایی دهه‌ها طول کشید و خسارت‌های و مشکلات عظیمی متحمل شدند تا توانستند از این مرحله عبور کنند. این مرحله پیک تاریخی‌مان است. مشکل چگونگی تعامل و تفاهم میان حاملان سنت و مدرنیته است و به شکلی باید به تفاهم برسند و در کنار یکدیگر زندگی کنند. این کار سختی است اما نشدنی نیست.

✱امروز از رشد فردگرایی ایرانی و تغییر نظام ارزشی سخن گفته می‌شود؛ این مساله چه تأثیراتی در واکنش‌های اجتماعی داشته و چه نقشی در فضای سیاسی و اقتصادی و طرح مطالبات دارد؟

✱تأثیر رشد فردگرایی بر واکنش های اجتماعی مشهود است

عبدی: این کاملا مشهود است و شواهد متعددی در مورد آن می‌توان ذکر کرد و در واقع مصداقی است از فرآیند مدرنیته که شاهد آن هستیم و این ویژگی هر چه سریعتر گسترش می‌یابد، بخشی مسیر طبیعی است و بخشی ناشی از افزایش تحصیلات بویژه آموزش زنان و نیز گسترش شهرنشینی است و بخشی ناشی از فرآیند ارتباطات جهانی و رسانه‌های جدید است که منجر به این وضعیت شده و نتایج آن تناسبی با این ساختار سیاسی ندارد و این عدم تناسب، جامعه را ناپایدار کرده و بحران ایجاد می‌کند. یک‌جایی طرفین باید به تفاهم برسند.

✱آیا می‌توان گفت که بها یافتن ثروت و قدرت، منجر به تغییر سبک زندگی ایرانیان شده است؟ اگر تغییر سبک زندگی را می‌پذیرید به نظر‌تان سبک زندگی تازه ایرانیان چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه بر کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟

✱تغییر سبک زندگی بیشتر به ارزش‌های مدرنیته مربوط است

عبدی: تغییر سبک زندگی به بها یافتن ثروت و قدرت ربطی ندارد. این دو موضوع در این مملکت همیشه اهمیت داشته و کماکان اهمیت دارند. سبک زندگی بیشتر مربوط به مدرنیته است و این که فردیت مهم شده است و شما موارد گوناگونی از قبیل نحوه لباس پوشیدن و اختیار در لباس پوشیدن تا روابط شخصی و سبک معماری خانه و حتی تعداد فرزند و سن ازدواج و ساده شدن طلاق را می‌توانید ببینید و اینها ربطی به ثروت و قدرت ندارد و بیشتر به ارزش‌های مدرنیته مربوط است که در جامعه ایران شکل گرفته و

رشد کرده است. حتی در روستاها هم دیده می‌شود. یک مدتی به دلیل انقلاب رشد این ارزش‌ها متوقف شده بود و الان با سرعت بیشتری در حال جبران تاخیر آن دوران است و این عدم انطباق میان دو طرف یکی از عوارضی است که جامعه با آن مواجه است.



✱اگر تغییرات جامعه با از کار افتادن تنظیم‌کننده‌های اجتماعی همراه شود، یعنی هنجارهای اخلاقی و قانونی کار کرد خود را از دست دهند، خشونت و توسل به زور به حل مساله کمک می‌کند؛ در چنین شرایطی که به گفته کارشناسان، خودخواهی منفعت جویانه‌ی سیری‌ناپذیر قدرت می‌گیرد، ممکن است جامعه به سوی هرج و مرج حرکت کند؟

✱خطر حرکت به سوی هرج و مرج همیشه جوامعی مثل جامعه ما را تهدید می‌کند

✱هنجارهای اخلاقی‌مان به دلیل تضعیف نهادهای اجتماعی‌کننده ضعیف شده‌است
✱متأسفانه کار کرد و محتوا و ضمانت اجرای قانون در جامعه ما دچار اختلال شده‌است
✱ تجربه مردم ایران به‌گونه‌ایست که به شدت سعی می‌کنند از خشونت پرهیز کنند
عبدی: این خطری‌است که همیشه جوامعی مثل جامعه ما را تهدید می‌کند. ما هنجارهای اخلاقی‌مان به دلیل تضعیف نهادهای اجتماعی‌کننده ضعیف شده و اعتبار هنجار قانون نیز چندان تعریفی ندارد. متأسفانه کار کرد و محتوا و ضمانت اجرای قانون در جامعه ما دچار اختلال شده بنابراین اگر ما برای رسیدن به حل مشکلات، راهی نداشته باشیم، طبیعی است که خشونت و توسل به زور جانشین آن شود اما این را هم می‌توانیم ببینیم

که تجربه مردم ایران به‌گونه‌ایست که به شدت سعی می‌کنند از این درگیر شدن با چنین وضعی پرهیز کنند و تاکنون نیز این وظیفه خود را انجام داده‌اند و این موارد محدودی که در ماه‌های اخیر در جامعه ایرانی می‌بینید، عجیب نیست مگر اینکه راه حلی برای انسجام و همبستگی ملی به وجود نیاید یا در مورد راه مشترکی به تفاهم



نرسیم که در آن صورت، قضیه تفاوت می‌کند.

✱در روند تغییرات جامعه ایرانی، شبکه‌های اجتماعی چه نقش مثبت و منفی‌ای داشته‌اند و آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در شکل‌کنشگری سیاسی و اجتماعی تغییر ایجاد کنند؟

✱شبکه‌های اجتماعی در ایران بار بسیار سنگینی را بر دوش گرفته‌اند و قادر به کشیدن این بار نیستند

✱امروز تعداد کسانی که حرف می‌زنند بیشتر از تعداد کسانی است که حرف می‌شنوند

✱شبکه‌های اجتماعی هم آثار مثبت و هم آثار منفی دارند

عبدی: شبکه‌های اجتماعی در ایران به‌دلیل ضعف رسانه رسمی و بی‌اعتباری آن، بار بسیار سنگینی را بر دوش گرفته‌اند و کار اطلاع‌رسانی در حوزه سیاست و سایر حوزه‌ها را انجام می‌دهند و واقعیت این است که این شبکه‌ها قادر به کشیدن این بار نیستند. الان اگر شما نگاه کنید تعداد کسانی که حرف می‌زنند بیشتر از تعداد کسانی است که حرف می‌شنوند در حالی که در جامعه معمولی اینطور نخواهد بود و یک تعداد محدودی که اقشار و گروه‌های اجتماعی را نمایندگی می‌کنند، حرف می‌زنند و دیگران هم گوش می‌کنند و به تناسب، یکی را انتخاب می‌کنند. اینطور نیست که همه در مورد همه مسایل اظهار نظر کنند؛ مگر امکان دارد افراد عادی چنین حدی از صلاحیت کارشناسی و

تخصص را داشته باشند؟ بنابراین شبکه‌های اجتماعی در عین حال که استقلال مردم را از حکومت از طریق استقلال در رسانه و ارتباط‌گیری بدون نظارت محقق کردند اما این شبکه‌ها کار کردهایی را بر خود تحمیل کردند که از طریق این شبکه‌ها نمی‌شود اهداف مرتبط با آن کار کردها را به درستی تأمین کرد؛ در نتیجه

هم آثار مثبت و هم آثار منفی دارند و اگر رسانه ملی یعنی صدلوسیما به نحو درست بازسازی شود، این انتظار وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی کم‌کم در جایگاه واقعی خودشان قرار بگیرند.

✱در تحلیل رفتار جامعه، به شکاف نسل‌ها، سبک زندگی و تفاوت نگاه نسل جدید به مسایل جامعه اشاره می‌شود؛ شما نسل جدید ایرانی و دغدغه‌ها و مطالبات آنها را چگونه می‌بینید؟ این نسل چه تأثیری بر تغییر رفتار نسل‌های پیش از خود داشته‌است؟

✱نسل جدید با نسل‌های گذشته فرق دارد و باید هم فرق می‌داشت

✱هویت نسل‌های قدیمی از طریق تعامل با دو پدیده مهم انقلاب و جنگ شکل گرفته بود

✱نسل جدید هیچ درکی از انقلاب و جنگ ندارد و سیستم آموزشی نتوانسته این ارتباط را برقرار کند

✱نسل قدیم و جدید چاره‌ای ندارند جز اینکه همدیگر را به رسمیت بشناسند و به هم احترام بگذارند

عبدی: این نسل با نسل‌های گذشته فرق دارد و باید هم فرق می‌داشت. نسل‌های قدیمی هویت و درکنشان از طریق تعامل با دو پدیده مهم شکل گرفته بود؛ یکی انقلاب و دیگری جنگ. الان ۳۰ سال است که از این جنگ و ۴۰ سال از انقلاب گذشته و نسل جدید هیچ درکی از این دو موضوع ندارد و متأسفانه سیستم آموزشی ایران نیز به‌گونه‌ای نیست که بتواند این ارتباط را برقرار کند. یک سیستم بسیار غیرواقعی که حقایق را مقلوب تحویل دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم می‌دهد و ارتباط واقعی آنها را با گذشته مخدوش می‌کند. بنابراین نسل جدید در چارچوب دیگری بزرگ می‌شوند و شکل می‌گیرند؛ ضمن اینکه ارزش‌های مدرنیته از طریق رسانه‌های جمعی و ضرورت‌های توسعه به آنان منتقل می‌شود. این نسل، نسلی نیست که نسل گذشته بتواند آنها را خیلی درک کند یا با آنها هم‌رای و هم‌ارزش شوند. چاره‌ای ندارند جز اینکه همدیگر را به رسمیت بشناسند و به هم احترام بگذارند.

✱آیا انقطاع فرهنگی اجتماعی بر شکاف نسل‌ها موثر بوده است؟ و آیا جامعه ایرانی در طول تاریخ نیز با این معضل مواجه بوده است؟

✱ در جامعه‌ای که استبداد وجود داشته باشد، اجازه نمی‌دهد پیوستگی نسلی به شکل درستی شکل بگیرد

✱ فرآیند اجتماعی شدن در نظام بسته دچار اختلال می‌شود

عبدی: این انقطاع در برخی مقاطع و مواقع به وجود می‌آمده است. در جامعه‌ای که استبداد وجود داشته باشد، اجازه نمی‌دهد پیوستگی نسلی به شکل درستی شکل بگیرد؛ ضمن اینکه در آزادترین جوامع نیز این شکاف‌ها به وجود می‌آید و چاره‌ای نیست اما شکاف‌ها در آن حدی نیست که به انقطاع بینجامد. در تاریخ ایران این موارد به دلیل استبداد وجود داشته و نسل‌های جدید، ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایده‌هایی را انتخاب می‌کنند که نسل‌های قدیم خیلی با آن همسو و هماهنگ نبودند. فرآیند اجتماعی شدن در نظام بسته دچار اختلال می‌شود و تا وقتی ما نتوانیم این نظام را باز کنیم و اجازه بدهیم فرآیند اجتماعی شدن به شکل عادی پیش برود، همواره با این بحران مواجهیم.

✱بر اساس آمار رسمی هم‌اکنون ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین و حدود ۴ میلیون گرسنه‌خواب در کشور داریم. آیا این جمعیت بزرگ ممکن است تأثیری در اولویت‌بندی مطالبات جامعه داشته باشد؟ آسیب‌ها و تأثیرات سیاسی اجتماعی این جمعیت حاشیه‌نشین را چطور ارزیابی می‌کنید؟

✱ جمعیت حاشیه‌نشین و فقیر علیرغم اهمیت، توانایی بسیج نیرو و پیگیری مطالباتشان را ندارند

✱ جمعیت حاشیه‌نشین و فقیر می‌توانند یک خطر بالقوه برای ثبات و پایداری جامعه‌باشند

خسارت فیلترینگ

دکتر صدیقه بیران (کارشناس ارتباطات و رسانه و استاد دانشگاه)



از سال ۸۸ تا الان اصلاح‌طلبان منتظر بودند تا شرایطی پیش بیاید که در آن شرایط نقشی موثر ایفا کنند اما از حالا به بعد اصلاح‌طلبان قادر نیستند که منتظر شرایط باشند

شده حقوقی است و اگر این مساله حل شود، کاهش اعتماد مساله کلیدی نیست و به راحتی و با یکسری تغییرات می‌توان اعتماد را بازسازی کرد.

در عرصه سیاسی جریان‌های اصلاح‌طلب که در ابتدای سال توانستند اعتماد مردم را جلب کنند، با خطر از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی مواجه شدند این مساله متأثر از همان کاهش اعتماد عمومی است یا به کنشگری و سیاست‌ورزی این جریان بازمی‌گردد؟

اصلاح‌طلبان برنامه مشخصی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی ارائه نمی‌کنند اصلاح‌طلبان از حالا به بعد قادر نیستند برای ایفای نقش منتظر شرایط باشند اصلاح‌طلبان ناچارند که ایده و اراده مشخصی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه کنند

عبدی: بله! بخشی از آن بی‌اعتمادی عمومی است که وجود دارد و سرریز به اصلاح‌طلبان نیز شده و مساله اصلی این است که اصلاح‌طلبان برنامه مشخصی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه نمی‌کنند. از سال ۸۸ تا الان اصلاح‌طلبان منتظر بودند تا شرایطی پیش بیاید که در آن شرایط نقشی موثر ایفا کنند اما از حالا به بعد اصلاح‌طلبان قادر نیستند که منتظر شرایط باشند. ممکن است شرایطی پیش بیاید که ایفای نقش را از آنها و خیلی‌های دیگر سلب کند بنابراین اصلاح‌طلبان ناچار هستند که ایده و اراده مشخصی را برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه کنند و از این طریق بتوانند اعتماد عمومی را به سوی خود جلب کنند.

مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه و حاکمیت در سال ۹۷ را چه مسایلی می‌دانید؟

مهم‌ترین مساله در سال ۹۷ بازسازی رابطه مردم و حکومت است نیروهای حامل سنت با نیروهای حامل مدرنیته باید به این نتیجه برسند که نمی‌توانند یکدیگر را حذف کنند

وضعیت پوشش زنان در حال تبدیل شدن به یک بحران است عبدی: به نظر من مهم‌ترین مساله بازسازی رابطه است. باید بین مردم و حکومت رابطه کارگزار و کارفرما و مبتنی بر قانون بویژه قانون اساسی شکل بگیرد؛ رابطه‌ای مبتنی بر پاسخگویی و مبتنی بر کارفرما و کارگزار و نهادهای متناسب با آن. این یک مساله است، مساله دیگری که در کنار این بسیار اهمیت دارد و به شکلی به یکدیگر مربوط است، ضرورت رسیدن به تفاهم عمومی بویژه میان سنت و مدرنیته در جامعه است. نیروهای حامل سنت با نیروهای حامل مدرنیته باید به این نتیجه برسند که نمی‌توانند یکدیگر را حذف کنند و باید به شکلی با هم کنار بیایند و اینکه کجا و چگونه با هم کنار بیایند بحث دیگری است. نمونه مشخص این وضعیت پوشش زنان است که می‌بینیم در حال تبدیل شدن به یک بحران است و حکومت باید دیر یا زود تغییر سیاستی در مورد آن بدهد اما دایما تعلل می‌شود. مثل همان قضیه ماهواره که دیدیم به چه سرنوشتی دچار شد. این مساله‌ی سال ۹۶ هست و مساله سال ۹۷ و ۹۸ هم خواهد بود و تا وقتی که سیستم این دو مساله را حل نکند، غیرممکن است که ثبات و پایداری خوبی را تجربه کند.

بهبتر است طبقه متوسط نمایندگی جمعیت حاشیه نشین را نیز به عهده بگیرد عبدی: جمعیت حاشیه نشین و جمعیت فقیر متأسفانه علیرغم اینکه مهم هستند و به لحاظ تعداد قابل توجه هستند، خیلی توانایی بسیج نیرو و پیگیری مطالباتشان را ندارند. ولی وجود چنین وضعیتی می‌تواند خطرات کلان برای کل جامعه داشته باشد. شاید این تعداد در برابر مجموعه طبقه متوسط خیلی قدرتمند نباشند اما در عین حال در فرآیندهایی که پیش می‌آید می‌توانند یک خطر بالقوه برای ثبات و پایداری جامعه باشند و خیلی بهتر است که طبقه متوسط و طبقات دیگری که از انسجام و اتحاد بیشتری برخوردار هستند، نمایندگی اینها را نیز به عهده بگیرند. این نمایندگی اهمیت دارد از جهت اینکه بتوانند مطالبات آنها را از طریق مدنی پیگیری کنند ولی به هر حال اگر این اتفاق نیفتد، این بخش از نیروها فارغ از اینکه تعداد واقعی آنها چقدر است به راحتی می‌توانند آثار منفی روی ثبات و پایداری جامعه بگذارند.

در رفتارشناسی مردم ایران، اعتماد عمومی به شدت آسیب دیده؛ این کاهش اعتماد متأثر از چه عامل یا عواملی بوده و چه تأثیراتی بر کنش و واکنش اجتماعی دارد؟

بحث اصلی ما کاهش اعتماد عمومی نیست رابطه دولت و مردم رابطه تعریف شده کارگزار و کارفرما نیست و دولت پاسخگوییست

آنچه ما نیاز داریم ایجاد یک رابطه حقوقی مدرن بین دولت و مردم است با یکسری تغییرات می‌توان اعتماد را بازسازی کرد

عبدی: بحث اصلی ما کاهش اعتماد عمومی نیست. در جوامع دیگر نیز گاهی شرایطی از این نوع پیش می‌آید که اعتماد عمومی پایین می‌آید همچنانچه که نقطه قوت ما زمانی نبود که اعتماد عمومی بالا بود. ما در مقطعی از چنددهه گذشته شرایطی را تجربه کردیم که اعتماد عمومی به حکومت خیلی بالا بود. ولی مشکل ما همچنان برقرار بود.

مساله اصلی جای دیگری است و این است که رابطه دولت و مردم رابطه تعریف شده کارگزار و کارفرما نیست و دولت پاسخگو در برابر مردم نیست بنابراین وقتی اعتماد کاهش می‌یابد، این روابط خودبخود دچار اختلال می‌شود و امکان بازسازی آن وجود ندارد. وقتی اعتماد زیاد است بازهم اتفاق مهمی رخ نمی‌دهد چون این مردم مرید حکومت هستند. یک زمانی مرید هستند و به حکومت اعتماد دارند و یک زمانی اعتماد ندارند و درگیر می‌شوند. آنچه ما نیاز داریم ایجاد یک رابطه حقوقی مدرن بین دولت و مردم است که دولت کارگزار مردم و پاسخگو در برابر مردمی باشد که کارفرما هستند.

در مدل کارفرما_کارگزار تا وقتی که مردم به دولت اعتماد دارند، دولت کارش را می‌کند و وقتی اعتمادشان را از دست می‌دهند کل حکومت باید به نحوی عمل کند که اعتماد مردم جلب شود در غیر این صورت مردم باید بتوانند و در صورت نیاز دولت مورد نظر خود را مستقر کنند؛ بنابراین مساله اصلی فقدان این رابطه تعریف

باید بین مردم و حکومت رابطه کارگزار و کارفرما و مبتنی بر قانون بویژه قانون اساسی شکل بگیرد؛ رابطه‌ای مبتنی بر پاسخگویی و مبتنی بر کارفرما و کارگزار و نهادهای متناسب با آن

موضوع مدیریت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در کشور ما به یک مسئله تبدیل شده است و هر از چند گاهی اخبار مربوط به فیلترینگ یا رفع فیلترینگ یک پیام‌رسان خاص، مورد توجه رسانه‌ها، افکار عمومی و مسئولان قرار می‌گیرد. در ارتباط با مدیریت فضاهای مجازی، چند نکته وجود دارد؛ در جهان امروز، رسانه‌های اجتماعی نقش مکمل رسانه‌های رسمی را ایفا می‌کنند و این نقش‌آفرینی در جامعه ما طی سال‌های اخیر کاملاً قابل مشاهده است. بنابراین ما باید شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را به‌عنوان یک واقعیت بپذیریم و به‌دنبال پاک کردن صورت مسئله نباشیم. باید بپذیریم که پیام‌رسان‌های مختلف چه در قالب اینترنتی و چه در شکل اپلیکیشن‌های موبایلی آن، به جهت جذابیت‌ها و مزیت‌هایی که برای مردم و کاربران دارند، مورد اقبال آنها واقع شده‌اند. اما موضوع اساسی نحوه مدیریت این پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. آنچه مسلم است این است که فیلترینگ، راه‌حل مناسب برای مواجهه با فضای مجازی نیست. نحوه مدیریت ما در حوزه شبکه‌های اجتماعی باید ایجابی باشد نه سلبی. اینکه گفته می‌شود انحصار یک پیام‌رسان خاص باید شکسته شود، ایده قابل‌قبولی است. اما شرط شکستن انحصار تلگرام فیلتر کردن آن نیست. بلکه ایجاد و معرفی آلت‌رناتیوهای مناسب و مؤثر برای آن است. اگر آلت‌رناتیوهای مورد نظر قادر به رقابت با پیام‌رسان‌های موجود نباشد، به‌طور طبیعی با اقبال مردم و کاربران مواجه نخواهد شد. چرا که این آلت‌رناتیوها به لحاظ سطح تکنولوژی به‌کار رفته در آنها، حفظ امنیت و حریم خصوصی کاربران و استفاده آسان، پاسخگوی نیازهای مردم نیستند. به همین جهت تأکید می‌شود که فیلترینگ آخرین راه‌حل است نه نخستین راه‌حل. فیلترینگ

پیام‌رسان‌های موجود، کاربران را با یک مشکل مضاعف روبه‌رو می‌کند. نتیجه طبیعی فیلترینگ، قانون‌گریزی کاربران و استفاده از فیلترشکن برای دور زدن فیلترینگ خواهد بود. اینکه به‌طور ناخواسته کاربران را به سمت قانون‌گریزی هدایت و ترغیب کنیم، برای جامعه مدنی بسیار خطرناک است و یک خسارت جدید برای جامعه محسوب می‌شود.

اما پیام‌رسان‌های اجتماعی قابل مدیریت هستند؛ به شرط اینکه ما هم از نظر تکنولوژی و فراهم کردن امکانات زیرساختی در این حوزه و هم از نظر تولید محتوا باید بسیار قوی عمل کنیم. نهایتاً باید به مردم حق انتخاب بدهیم تا کالای مطلوب و مورد نظر خود را از این بازار انتخاب کنند.

موضوع دیگری که باید در مدیریت شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد، مدیریت محتواسست. در این زمینه، دستگاه‌های فرهنگی و مسئولان ذی‌ربط باید تلاش کنند تا سواد رسانه‌ای کاربران را ارتقا دهند. به هر میزانی که ما سواد رسانه‌ای و قدرت تجزیه و تحلیل کاربران رسانه‌ها را افزایش دهیم، موفقیت ما در مدیریت فضای اجتماعی را سبب خواهد شد.

دستیابی به این هدف نیازمند ایجاد یک نظام سیاستگذاری یکپارچه و واحد است که بتواند راهبردهای اجرایی ارائه دهد. یعنی علاوه بر سیاستگذاری منسجم، در مرحله اجرا هم ما نیازمند یک مدیریت کلان و فرابخشی هستیم. عملکرد جزیره‌ای دستگاه‌ها در حوزه مدیریت رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی موجب شده که ما با چالش‌های متعدد در این زمینه مواجه بوده و شاهد یک مدیریت آشفته باشیم. وضعیتی که می‌تواند خسارات و مشکلات گوناگونی را برای جامعه و مردم به‌وجود آورد.

۴ میلیون تومان؛ «خط فقر» شهری‌ها در سال ۹۶

۳۳ درصد جمعیت ایران در «فقر مطلق»



این میزان به جز گروهی است که با مشکل سوء تغذیه رو به رو هستند.

فقر مطلق در ۳۳ درصد جمعیت کشور

وی با بیان اینکه بخش قابل توجهی از مشکل سوء تغذیه به خاطر فقر نیست بلکه به خاطر تغذیه نامناسب ایجاد می‌شود، تصریح کرد: برای مثال این افراد به جای مصرف مواد ریزمغذی کافی، تنقلات مصرف می‌کنند. روش‌های مختلفی برای محاسبه فقر وجود دارد زیرا در محاسبه فقر برخی شاخص‌ها می‌تواند روی تعداد کسانی که زیر خط فقر هستند تاثیر گذار باشد اما پایین‌ترین چیزی که در سال‌های اخیر محاسبه کرده ایم ۳۳ درصد جمعیت کشور دچار فقر مطلق هستند و ۶ درصد نیز دچار گرسنگی هستند که این تعداد نزدیک به ۵ میلیون نفر است. راغفر با اشاره به اینکه تعیین شاخص میزان سبد غذایی برعهده انستیتو تغذیه است، توضیح داد: برای مثال هر فرد باید ۲۰۸۰ کیلو کالری در روز دریافت کند، اما این میزان فقط با خوردن نان تامین نمی‌شود بلکه ریز مغذی‌هایی هم دارد. این مبنایی است که ببینیم چه درصدی از کل مخارج خانوارها غذا بوده است؟. برای مثال اگر یک سوم آن غذا بوده، دو سوم دیگر آن

باید پرسید چه کسانی در این طرح برنده شدند؟ همزمان با اجرای این طرح ۲۰ درصد جمعیت با درآمد پایین و ۲۰ درصد افراد با درآمد بالای جمعیت وضعیتشان بهتر شده است و در عین حال دو گروه وسط وضعیتشان بدتر شده، چرا که هیچ ضابطه‌ای برای شناسایی کسانی که قرار است از این خدمات استفاده کنند وجود ندارد و برای مردم تقاضای القایی به وجود آمده است. راغفر با بیان اینکه فقر آموزشی نشان می‌دهد که نابرابری آموزشی افزایش یافته است، ادامه داد: مطالعات ما نشان می‌دهد که درآمد ۶ درصد از جمعیت کشور هزینه‌هایشان را تامین نمی‌کند. اسم این مرحله خط گرسنگی است و به آن معناست که درآمد یک خانوار حتی نمی‌تواند هزینه‌های غذایی را تامین کند. ما می‌دانیم که خانوارها فقط با هزینه غذا خوردن رو به رو نیستند؛ بلکه هزینه‌های دیگر هم مانند هزینه حمل و نقل، پوشاک، مسکن و ... را هم دارند. این اقتصاددان در ادامه اظهار کرد: خانواری که کل مخارجش کمتر از سبد حداقل غذا است حتما با گرسنگی و با مشکلات آموزشی و دسترسی به خدمات سلامت روبه‌رو است. هرچند نهادهای دولتی این رقم را دو یا ۳ درصد (جامعه) اعلام می‌کنند اما تا جاییکه من به یاد می‌آورم وزارت بهداشت این رقم را ۱۰ درصد اعلام می‌کرد؛

یک پژوهشگر و استاد دانشگاه خط فقر مطلق برای یک خانواده چهار نفره شهری در سال ۹۶ را حدود چهار میلیون تومان اعلام کرد و گفت: بر اساس محاسبات صورت گرفته در سال‌های اخیر، ۳۳ درصد جمعیت کشور دچار «فقر مطلق» هستند.

۳۳ درصد جمعیت ایران در «فقر مطلق»

به گزارش ایسنا، حسین راغفر افزود: مطالعات نشان می‌دهد خط فقر مطلق برای مناطق محروم ۵۰ درصد مناطق شهری و حدود دو میلیون تومان است. وی با بیان اینکه منظور دولت از فقر مطلق برای یک خانواده پنج نفره ۷۰۰ هزار تومان است، افزود: این مبلغ برای یک خانواده پنج نفره حتی تامین‌کننده غذایشان نیست. در حال حاضر حتی اندازه خانواده در ایران تغییر کرده و کوچک‌تر شده است و به میانگین چهار نفر رسیده است. خط فقر همچنین بین نقاط مختلف کشور و حتی روستاهای مختلف، متفاوت است. این استاد دانشگاه با تعریف سبد معیشتی خانوارها، افزود: آنچه ما به عنوان فقر مطلق تعریف می‌کنیم سبد مشخصی است که باید حداقل کالاهای اساسی را در بر داشته باشند به نحوی که اگر فردی به آنها دسترسی نداشته باشد، سلامت فیزیکی، جسمانی و روحی‌اش به خطر بیفتد، این کالاها در همه جای دنیا پذیرفته شده و شامل غذا، مسکن، خدمات سلامت، حمل‌ونقل و ... هستند. وی با اشاره به اینکه در اندازه‌گیری فقر معمولا به مخارج کل خانوار توجه می‌شود، درآمد اعلامی برای تعیین فقر مطلق را دقیق ندانست و اظهار کرد: معمولا در این روش به نحوه توزیع درآمد کمتر توجه می‌شود. اما نکته اینجاست که برخی این موارد را فقط با نگاه به مخارج کل خانوار در نظر می‌گیرند و متوجه نمی‌شوند که افزایش هزینه خانوار چه آسیب‌هایی به آنها زده است. این پژوهشگر و اقتصاددان در ادامه تصریح کرد: در این حالت شاید مخارج خانوار افزایش پیدا کرده باشد اما آنها فقیرتر شده باشد. اگر فقط هزینه‌های درمانی یک نفر بالا برود و آن را به کل مخارجش تقسیم کنیم شاید مخارجش بالاتر رفته باشد اما ممکن است این فرد، این مبلغ را با فروش فرش زیرپایش تامین کرده و دچار هزینه‌های کمرشکن درمان شده باشد.

سقوط ۷ درصد خانوارهای ایرانی به زیر خط فقر در سال ۹۱ بخاطر هزینه‌های درمان

راغفر در ادامه اظهار کرد: در سال ۹۱ وقتی هزینه‌های درمان خانوارها را محاسبه کردیم، دیدیم با محاسبه مخارج درمانی پرهزینه، ۷ درصد به خانوارهای فقیر اضافه شده است و آنها به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند. این افراد چون مخارج بالایی داشتند، فقیر نبودند اما با مخارج درمانی آنها ۷ درصد به فقرا افزوده شده بود. این استاد دانشگاه نقش بیمه سلامت در کاهش فقر اقتصادی را موثر دانست و گفت: این طرح متعلق به سال‌های اخیر است و در عین حال همه چیز مانند خدمات دارویی را هنوز پوشش نمی‌دهد اما تاثیر گذار بوده است. اما

سایر مخارج خانوار است. پس اگر سبد پایه غذا را تعیین کنیم از روی آن می‌توانیم حداقل درآمدها را برای سایر مخارج نیز تعیین کنیم. این پژوهشگر با بیان اینکه اگر بگوییم ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان خط فقر است، اطلاعاتی ناقص را ارائه کرده ایم، گفت: باید بگوییم این مبلغ برای کجا و برای چه نوع خانواری است؟. چراکه خانوارهای روستایی با خانوارهای شهری و خانوارهای شهرهای کوچک با خانوارهای شهرهای بزرگ در هزینه‌ها و ترکیب سبد مصرفشان متفاوت هستند. بنابراین توری که حاصل می‌شود به گروه‌های مختلف خانوارها و به میزان متفاوتی آسیب می‌زند؛ اتفاقا گروه‌های پایین درآمدی نرخ تورم بالاتری از گروه‌های میانگین جامعه دارند. راغفر در ادامه اظهار کرد: اگر بخواهیم درست برنامه ریزی کنیم باید بدانیم هر موقع تورم ایجاد می‌شود فاصله طبقاتی گروه‌های پایین و بالا بیشتر می‌شود، چراکه آنها قادر نیستند درآمدها را به همان نسبت بهبود بدهند به همین دلیل همواره فاصله‌شان بیشتر شده و دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند.

یارانه کمکی به کاهش فقر نکرد، تورم را افزایش داد

این استاد دانشگاه و پژوهشگر با اشاره به نقش یارانه‌ها در کاهش میزان فقر نیز توضیح داد: وقتی در دی ماه ۸۹ پرداخت یارانه شروع شد، به جز یکسال اخیر، سالیانه ۴۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان یارانه در کشور به همه مردم پرداخت شده است. به چند دلیل پرداخت یارانه به کاهش فقر کمک نکرده است: اول آنکه این حجم بزرگ نقدینگی که وارد کشور می‌شود خودش تورم زاست و در تورم گروه‌های پایین بیشتر آسیب می‌بینند؛ دوم آنکه شیوه درست برخورد و کاهش فقر، اشتغال‌زایی برای خانوارهاست. به گفته راغفر افزایش تورم باعث می‌شود که بهانه‌ای برای گروه‌های قدرت و ثروت در جامعه فراهم شود تا نرخ ارز را در کشور افزایش دهند، همین امر سبب می‌شود که تولید در کشور آسیب ببیند چرا که تولیدکننده بخش قابل توجهی از نهاده‌هاست که قادر نیستند با رقبای خارجی مثل ترک و چین رقابت کنند به همین دلیل در دولت‌های نهم و دهم ۱۴ هزار واحد تولیدی از صحنه فعالیت اقتصادی خارج شدند. این اقتصاددان با بیان اینکه بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰، ۴۱۵ هزار شغل در صنعت از بین رفت و بعد خود به خود با از بین رفتن شغل‌های بی‌کاری تشدید شد، گفت: از طرف دیگر ما ورود جمعیت جوان به بازار کار را داریم که فشار بر بازار کار بیشتر شده و با افزایش بی‌کاری انواع و اقسام مشکلات مثل فقر ایجاد می‌شود؛ پیامدهای اجتماعی هم به وجود می‌آید که امروز با آنها مواجهیم. راغفر با بیان اینکه در سال ۸۹ به یک خانوار ۵ نفره ۲۲۵ هزار تومان یارانه می‌دادیم که برحسب قیمت‌های ثابت و محاسبه تورم در دی ماه ۱۳۸۶ این ۲۲۵ هزار تومان، ۸۱۲ هزار تومان شده است، گفت: یعنی ۸۱۲ هزار تومان امسال معادل ۲۲۵ هزار تومان سال ۱۳۸۹ است؛ پس می‌بینید چرا خانوارهای فقیر، فقیرتر شده‌اند چرا که ظرفیت‌های جدیدی برای کسب درآمد نداشته‌اند این درحالیست که خیلی از خانوارهای محروم جامعه عمدتا به همان یارانه زندگی می‌کنند.

آشنایی با فرهنگ متفاوت کشور های جهان در استفاده از گوشی موبایل



مردم کشور های جهان با دارن بودن فرهنگ های متفاوت هر کدام به شکل خاصی از گوشی تلفن همراه استفاده کرده و عادات متفاوتی در استفاده از آن دارند. برای آشنایی بیشتر با این تفاوت های جالب با ما همراه شوید.

کلیک، گوشی موبایل دستگاهی است که به گفته بانک جهانی سه چهارم ساکنان کره زمین به آن دسترسی دارند، ولی تعریف و نحوه استفاده از آن در جوامع مختلف با فرهنگ های مختلف کاملا متفاوت است.

اهالی انگلستان این وسیله را موبایل (mobile) می خوانند و آمریکایی ها به آن تلفن همراه (cell phone) می گویند. همچنین مردم آمریکای لاتین نام celular، ژاپنی ها keitai (قابل حمل)، چینی ها shou-ji (ماشین دستی)، بنگلادشی ها muthophone (تلفنی که در کف دست قرار می گیرد)، سودانی ها nalle (خرس عروسکی) و آلمانی ها handy (دستی) را برای آن به کار می برند.

در ژاپن افرادی که با مترو به نقاط دیگر سفر می کنند با رگباری از پیغام های ضبط شده مواجه هستند که از آن ها می خواهد گوشی خود را در حالت سکوت یا لرزش قرار دهند که به آن manner mode (حالت با تربیت!) می گویند. در ژاپن استفاده از گوشی در مکان های عمومی بر خلاف آداب اجتماعی بوده و قابل پذیرش نیست. ساتومی سوگیاما، استادیار دانشگاه فرانکلین سوئیس می گوید: فرهنگ ژاپن برای هارمونی اجتماعی ارزش زیادی قائل بوده و و بروز هر گونه اختلال اجتماعی به شدت منفور است.

یک فرهنگ شناس ژاپنی می افزاید: اگر شخصی در این کشور سعی کند در حالی که با تلفن همراه صحبت می کند سوار اتوبوس شود، راننده اجازه این کار را به او نخواهد داد. او می گوید: تلفن همراه شما در ژاپن نباید برای دیگران هیچ مزاحمتی ایجاد کند. به عبارت دیگر، افراد باید اغلب گوشی خود را در خارج از خانه روی حالت سکوت قرار داده و در کافی شاپ ها و رستوران ها از آن برای برقراری تماس استفاده نکنند. اگر گوشی فردی زنگ بخورد افراد حاضر دچار آشفته گی شده و فوراً آن را ساکت و یا تماس خود را بسیار کوتاه می کنند.

او ادامه می دهد: تراکم فضا های شهری، استفاده بالا از سیستم حمل و نقل عمومی و فقدان نسبی حریم خصوصی در خانه ها موجب برقراری انواعی از ارتباط در این کشور می شود که بر دیگران تحمیل نشود.

پیام کوتاه، ایمیل های موبایلی، بازی و رمان در میان ژاپنی ها از تماس های تلفنی محبوب تر است.

بر خلاف این، در آلمان و اسپانیا مردم از گوشی های خود در همه جا استفاده کرده و صحبت کردن در مورد مسائل شخصی در مکان های عمومی امری رایج است.

یک بار شرکت حمل و نقل ریلی اسپانیا به نام Renfe، سفر های ارائه شده خود را با پوستری تبلیغ کرد که در آن تصویر افرادی دیده می شد که از درون قطار به وسیله تلفن همراه با والدین خود صحبت می کردند.

امپارولیسن، استاد جامعه شناسی دانشگاه کاهپولتنس مادرید می گوید: اسپانیایی ها مثل مردم ایتالیا بدون هیچ مشکلی و با شور و شغف به تماس های خود در رستوران ها، جلسه های تجاری، کنفرانس ها و حتی گاهی اوقات در کنسرت ها پاسخ می دهند. همچنین ارسال محتاطانه پیام های کوتاه و فوری نیز در طی جلسات امری رایج در این کشور هاست.

به گفته لیسن مردم اسپانیا همیشه در خیابان ها در مورد زندگی خصوصی خود صحبت می کنند و انجام این کار با گوشی تلفن همراه نیز نسخه ای تکامل یافته از این عادت است. گاهی اوقات اسپانیایی ها برای این که از رویداد های جدید روی گوشی خود آگاه شوند، سالن سینما را ترک می کنند!

او می افزاید: شما موظفید تا در دسترس دوستان، همکاران و مشتریان خود باشید. در این کشور یک نوع تعهد برای پاسخگویی وجود دارد.

یکی از کارمندان شرکت بازرسی و مشاوره ای PhiMetrics هند، مردم احتمال می دهند که تماس دریافت شده مهم باشد، به همین خاطر به آن پاسخ می دهند. او می افزاید: مثل اسپانیا، تعداد کمی از مردم هند از پست صوتی استفاده می کنند.

یکی دیگر از نکات جالب در مورد مردم هند آن است که فرد تماس گیرنده ممکن است به جای شنیدن بوق عادی، یک آهنگ بالیوودی که توسط صاحب شماره انتخاب شده است را بشنود. اومانگ شاه می گویند: این سرویس با نام “ آهنگ تماس گیرنده “ (همان آهنگ پیشواز خودمان!) شناخته می شود و مشترک برای استفاده از آن باید به صورت ماهانه مبلغی را پرداخت کند. این مورد در بخش هایی از آفریقا نیز رایج بوده و حتی ممکن است تماس گیرنده موعظه ای را از کتاب مقدس بشنود.

او می گوید: جامعه هند از سال های دور به تحمل و بردباری خو کرده و این خصوصیت به یک سنت تبدیل شده است. مواردی که در جامعه هند به راحتی نقض می شوند، در جوامع غربی جزو حریم شخصی یک فرد محسوب می گردند. به همین خاطر است که رفتار هایی مثل استفاده از تلفن در سینما یا قطار های شلوغ برای مردم قابل تحمل است. او می افزاید: جامعه هند از جوامع غربی همگانی تر بوده و همین مسئله بر اهمیت در دسترس بودن مداوم در این اجتماع می افزاید. عبداللهی عربو، محقق سازمان اینترنتی آکسفورد، می گوید: مردم در آفریقا به تلفن های خود در هر مکانی پاسخ می دهند. تنها جایی که مردم در آن با گوشی خود صحبت نمی کنند، کلیسا یا مسجد است. به گفته او یکی از دلایل انجام این رفتار، خود نمایی بوده و مردم می خواهند داشتن گوشی را به رخ دیگران بکشند. اگر افراد تماسی از راه دور دریافت کنند، به گونه ای رفتار می کنند که آن را یک تماس بین المللی و از کشور های خارجی به نمایش بکشند.

بر خلاف چیزی که گفته شد، یک زن خانه دار ژاپنی به نام کاناتو شیباماتو توضیح می دهد که ما در سالن سینما حتی اجازه نداریم گوشی را روی حالت سکوت قرار دهیم، چرا که ممکن است نور صفحه نمایش آن باعث آزار دیگران شود.

همچنین تولید کنندگان گوشی های موبایل اقدام به ساخت گوشی های دو سیم کارته ای برای بازار های نو ظهور کرده اند که می تواند امکان بهره مندی کامل از خدمات اینترنتی و صورتی را به صورت همزمان فراهم کند. به طور کلی، هندی ها در هر ماه به صورت میانگین ۳۴۶ دقیقه با دیگران به صورت تلفنی صحبت می کنند. هزینه مکالمه در این کشور بسیار پایین بوده و به ازای هر دقیقه در حدود ۰/۵ روپیه (کمتر از ۲۰ تومان) است. استفاده بیش از یک سیم کارت توسط هر فرد در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین امری رایج است. به گفته عربو این امر در آفریقا به خاطر آن است که اکثر اپراتور ها قابل اتکا نبوده و در پوشش دهی کاملی ندارند.

طبق نظرسنجی انجام شده توسط شرکت Synovate در آمریکا، ۷۲ درصد از مردم این کشور بلند صحبت کردن با گوشی تلفن همراه در مکان های عمومی را بدترین عادت کاربران موبایل دانسته اند. حال به نظر می رسد که گله مندی جدید از کاربران آیفون ۴S باشد که سوال های ساده را بار ها و بار ها برای سیری که یک ربات دستیار هوشمند است تکرار می کنند.

جانت وینسنت، یکی از اساتید مدعومرکز تحقیقات دیجیتال جهانی دانشگاه ساری انگلستان، می گوید: به نظر می رسد که مردم در حال پذیرش تماس های صوتی هستند ولی هنوز با صحبت کردن با یک صدای بی روح در گوشی مشکل دارند.

اسکات کمپل، استاد ارتباطات راه دور دانشگاه میشیگان، می گوید: در ابتدا ارسال پیام کوتاه در آمریکا چندان مورد استقبال نبود، چرا که اوایل اپراتور ها و شبکه های موبایلی مختلف با هم هماهنگی نداشته و ارسال پیام کوتاه با اختلالات زیادی رو به رو می شد.

او می افزاید: ولی اکنون ارسال پیام به یکی از کار های روزمره مردم آمریکا و سایر نقاط جهان تبدیل شده است.

او همچنین می گوید که رشد محبوبیت اینترنت موبایل در حال افول است، چرا که دستگاه های دیجیتالی همچون تبلت برای استفاده از اینترنت محبوبیت بیشتری دارند.

سپس فرد مقابل می تواند مجدداً تماس گرفته و با فردی که تک زنگ زده است صحبت کند. دوتنر فرهنگ مشابهی را در رواندا و آفریقا نیز گزارش کرده است. به گفته او این حرکت می تواند معانی متفاوتی داشته باشد، از جمله: بیا و به من زنگ بزن!، سلام، فکرم مشغول توئه! و با من تماس بگیر.

وبلاگ نویسی به نام شاشنک بنگالی می گوید: قوانین نانوشته ولی آشکاری برای تک زنگ وجود دارد. برای مثال، وقتی مکانیکی می خواهد به شما خبر دهد که خودروی شما آماده است، به شما تک زنگ می زند که معنی آن به این صورت است: ”ماشینت آماده است، اگر میخوای ببریش، با من تماس بگیر“.

او می افزاید: همچنین این عمل قوانین سلسله مراتبی دارد: یک کارمند برای برقراری ارتباط با مافوق خود که درآمد بیشتری دارد از تک زنگ استفاده می کند، مگر آن که نیاز به کمک فوری داشته باشد! او در ادامه هشدار می دهد که اگر می خواهید از همسر آینده خود خواستگاری کنید، هرگز به او تک زنگ نزنید!

در هند برقراری تماس تلفنی در سالن سینما امری عاد است. به گفته اومانگ شاه،

ملاحظات و الزامات بهره‌گیری فراگیر از پیام‌رسان‌های داخلی و طرح یک سوال اساسی

محمد مهدی فتوره‌چی

با بالا گرفتن احتمال فیلترینگ شبکه ۵ ساله تلگرام در روزهای آتی و شایعات مختلف و گسترده‌ای که به نقل از مسئولان مربوطه در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها منتشر می‌شود بار دیگر بحث‌های گوناگونی در زمینه چگونگی و چند و چون طراحی و ترغیب کاربران ایرانی به بهره‌گیری از پیام‌رسان‌های ایرانی و چگونگی افزایش گرایش آنان به نرم‌افزارهای داخلی در جامعه بالا گرفته، از جمله سوالات و دغدغه‌های اصلی و اساسی کاربران، بویژه جوانان این است که پیام‌رسان ایرانی و محبوب آتی و رقیب تلگرام پر نفوذی که در بیش از ۴۵ کشور جهان طرفدار دارد باید دارای چه ویژگی‌ها و قابلیت‌های مورد انتظاری باشد و از آن مهم‌تر این که تا چه اندازه می‌توان به حفظ اطلاعات، اسرار و اسناد تبادل شده در بستر نرم‌افزار طراحی و توصیه شده داخلی اطمینان حاصل کرد!

شواهد و قرائن و نظرسنجی‌های پراکنده‌ی صورت گرفته در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از کاربران بنا به دلایلی از در دسترس قرار گرفتن اطلاعات و مطالب منتشره‌ی خود در پیام‌رسان‌های ایرانی به شدت نگران بوده و مهم‌ترین دلیل بهره‌گیری از شبکه‌های پیام‌رسانی خارجی را اطمینان خاطر از عدم سوء استفاده از مطالب تبادل شده قلمداد می‌کنند! البته همانگونه که چندی پیش یکی از نمایندگان کمیسیون مجلس خواستار شد می‌توان در این خصوص اقدام به یک نظرسنجی جامع و جدیدی هم در کشور کرد ولیکن با عنایت به قرائن و شواهد به نظر می‌رسد در عدم اعتماد کاربران به پیام‌رسان‌های ایرانی اجماعی ناخوانده، مرموز و تامل برانگیز صورت گرفته است!

در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن بر شمردن شرایط و تدابیر لازم برای بهره‌گیری گسترده از پیام‌رسان‌(های) جایگزین، برخی تبعات فیلترینگ و ملاحظات مهم و قابل‌اعتنایی را به مسئولان ذیربط یادآور شوم.

بحث فیلترینگ تلگرام برای نخستین بار پس از حوادث تلخ ۳۰ بهمن ماه ۹۶ مطرح و متعاقب مسدود کردن آن، چند روزی کلیه مبادلات اقتصادی و تجاری مبتنی بر این بستر دچار وقفه و بسیاری از کاربرانی که از این طریق به کسب و کار مجازی روی آورده بودند متحمل خسارت مادی و حتی اعتباری بی‌سابقه‌ای شدند.

فیلتر غیر قابل پیش‌بینی و خسارت‌آمیز تلگرام (با برآورد روزانه ۷ میلیارد تومان در روز) مانع از بهره‌گیری از این پیام‌رسان نشد و هجمه‌ی بی‌سابقه‌ای برای دانلود و نصب فیلترشکن‌های موثر به راه افتاد تا جایی که بسیاری از کاربران وابسته و علاقمندی که به نحوی از این شبکه‌ی اجتماعی برای تبادل اطلاعات و اخبار و یا تجارت مجازی بهره‌می‌جستند ناگزیر مبادرت به بهره‌گیری از فیلترشکن شدند و متأسفانه کم‌نبودند کاربران نوجوان و جوانی که برای اولین بار مبادرت به نصب نرم‌افزارهای مربوطه کردند؛ نرم‌افزارهایی که زمینه‌ی دسترسی ایشان را به هر وبگاه و کانال و گروه هرزه‌نگاری میسر می‌کرد.

ابعاد و تبعات این اقدام عجولانه و البته امنیتی و محتاطانه موجب شد تا جمعی

از نمایندگان مجلس نیز، هم‌صدا با کاربران ضرر دیده در خصوص پیامدهای فیلترینگ تلگرام به مسئولان مربوطه هشدار داده و آنها را از این اقدام بر حذر دارند! و امروز بر حسب ظاهر بنا بر دو دلیل تهدیدآمیز تلقی شدن اینگونه شبکه‌های پیام‌رسان خارجی بواسطه‌ی عدم همراهی مدیرانش در مسدود کردن برخی کانال و گروه‌های معاند و آشوب طلب و نیز نگرانی از فراگیر شدن تبادلات پول و ارز مجازی از جمله بیت‌کوین، اتریوم، و سایر ارزهای دیجیتال بویژه ارز رمزنگار جدید گرام و بیم تهدیدات اقتصادی و بحران دیگر ارزی، این شبکه‌ی محبوب در آستانه‌ی فیلتر شدن قرار گرفته است.

حال سؤال اینجاست که در صورت قطعی شدن چنین رویکردی، صرف



(که بزرگترین مهاجرت شبکه‌ای از وایبر را به نام خود رقم زد) سر و کار داشتند پیام‌رسان ایرانی علاوه بر ضرورت برخورداری از امنیت بالا، باید از قابلیت‌هایی چون متفاوت بودن، کاربر پسند بودن و کاربری آسان نرم‌افزارک‌ها برخوردار بوده و انتظار می‌رود که پیام‌رسان جایگزین از این لحاظ اگر فراتر از تلگرام رخ نماید دست کم ضعیف‌تر از آن ظاهر نشود و یا واجد قابلیت‌هایی باشد که تلگرام فاقد آن بوده و برای کاربر ایر

بی تردید طراحی و ایجاد قابلیت پلتفرم متن باز همچون تلگرام و تعبیه قابلیت تعامل و بهره‌گیری از امکانات پیام‌رسان در قالب نرم‌افزارهای متفاوت دیگر همچون موبوگرام و یا تلگرام فارسی از جمله عواملی است که می‌تواند در کاربر ایرانی برای استفاده از پیام‌رسان داخلی رغبت بیشتری ایجاد کند.

در واقع، توجه ویژه به ذائقه‌ی کاربر تنوع طلب ایرانی بویژه نوجوانان و جوانان امروزی در شکل و محتوا و حتی فونت و قالب‌های جدید و به روز باید علاوه بر تامین الزامات یاد شده در دستور کار طراحان و تولیدکنندگان نرم‌افزار پیام‌رسان قرار گیرد و بی‌شک تحقق این مهم بدون حمایت‌های فکری، معنوی و حتی مادی نهادهای دولتی و متولی میسر نخواهد شد.

به طور خلاصه طراحان و مدیران پیام‌رسان‌های ایرانی و نیز مسئولان ذیربط اگر اعتقادی به کنسرسیوم منطقه‌ای برای میزبانی سرور پیام‌رسانی در خارج با کشور مجاور، دوست و یا هم‌زبانی ندارند (مشابه پیام‌رسان ویسپی)، برای جلب گسترده کاربران هم‌وطن ناگزیرند ضمن اتخاذ تدابیری جدی و اقناع‌کننده برای افزایش امنیت روانی کنشگران (از جمله عدم تعجیل در فیلترینگ تلگرام و حتی رفع فیلتر شبکه‌های محبوبی چون فیس‌بوک و توئیتر به منظور ایجاد اطمینان خاطر کاربران و تنوع بخشی به گزینه‌های جایگزین)، در پی استقلال کامل شرکت‌ها و موسسات خدمت‌رسان از دولت و تامین پهنای باند لازم بوده، و در تدارک طراحی و تولید نرم‌افزاری باشند اصیل و بی‌مانند، با ویژگی‌هایی چون کاربر پسند بودن، جذابیت بصری، تعبیه‌ی قابلیت‌های تماس تصویری، تبادل پول مجازی، طراحی نسخه‌ی تحت وب و ویندوز با پلتفرمی متن باز.

این روزها مسئولان و مقامات دولتی در تلاشند تا به مردم اطمینان دهند که اجازه‌ی نفوذ به حریم خصوص و اطلاعات شخصی آنها را نخواهند داد تا جایی که رهبر انقلاب هم اخیراً در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران عالی‌نظام از آنها خواستند تا امنیت و حریم داخلی زندگی مردم و کشور را حفظ و حتی تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم را "حرام شرعی" قلمداد کردند.

اگر چه صدور چنین فتوایی از سوی رهبری نظام به عنوان بالاترین مقام حکومتی در برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی اطمینان‌خاطری نسبی ایجاد می‌کند با این حال، سؤال اساسی اینجاست که به فرض طراحی و ساخت نرم‌افزاری کامل و بی‌نقص در کشور با تامین همه‌ی شرایط و الزامات برشمرده شده، در عمل چه ضمانتی وجود دارد که قانونگذار و مجریان قانون برای فتوای رهبری ارج و حرمت قائل شده و از رصد و سرکشی، و یا درخواست دریافت اطلاعات و افشای اسرار کاربران از مدیران پیام‌رسان‌های ایرانی دوری جویند؟!

نظر از تبعاتی که مختصراً در بالا بدان اشاره شد پیام‌رسان‌(های) جایگزین باید از چه ویژگی و خصوصیات و قابلیت‌هایی برخوردار باشند تا بتوانند کاربران شیفته پیام‌رسان پرشمار شبکه‌ای چون تلگرام را ترغیب به کنشگری در آن بستر و فعالیت بی‌دغدغه و پیوسته در شبکه‌های جدید توصیه شده چون سروش، سلام، آی‌گپ، و... کنند تا در این دوران حیرت و سردرگمی و ایجاد قابلیت‌های جدید از جمله توسعه‌ی تبادلات ارزی مجازی از اضمحلال بیش از پیش اقتصاد کشور در بستر پیام‌رسان‌های خارجی جلوگیری کرد.

بی تردید برای کاربرانی که با محیط‌های پر جاذبه و کششی چون تلگرام



بر اساس افشاگری‌های «ادوارد اسنودن»، دولت آمریکا بزرگ‌ترین رصد اینترنتی را انجام می‌دهد. این دولت همچنین از سال گذشته تاکنون هم فشارها را برای نظارت بر شبکه‌های اجتماعی گسترش داده است. اکنون بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از غرب تا شرق با توجه به معضلات شبکه‌های اجتماعی، رصد در این حوزه را افزایش داده‌اند. کنترل بر اینترنت و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی مختص آمریکا نیست

کشورهای مختلف چگونه شبکه‌های اجتماعی را رصد می‌کنند؟

کنترل بر اینترنت و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی مختص آمریکا نیست. تمام کشورهای دنیا اقدامات نظارتی خود را بر صفحات اینترنت بیش از پیش گسترانده‌اند.

بر اساس افشاگری‌های «ادوارد اسنودن» دولت آمریکا بزرگ‌ترین رصد اینترنتی را انجام می‌دهد. این دولت همچنین از سال گذشته تاکنون هم فشارها را برای نظارت بر شبکه‌های اجتماعی گسترش داده است. اکنون بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از غرب تا شرق با توجه به معضلات شبکه‌های اجتماعی، رصد در این حوزه را افزایش داده‌اند. کنترل بر اینترنت و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی مختص آمریکا نیست.

تمام کشورهای دنیا اقدامات نظارتی خود را بر صفحات اینترنت بیش از پیش گسترانده‌اند. چند روز پیش هم اتحادیه اروپا و کشورهای نظیر آلمان و انگلستان قوانین سختگیرانه‌تری را علیه شبکه اجتماعی وضع کردند؛ قوانینی که برای مرتکبان جرم در فضای مجازی از حبس تا ۵۰ میلیون یورو جریمه در نظر داشته است.

استرالیا از سال ۲۰۱۶ با هدف ارتقای شاخص‌های افزایش ایمنی شبکه‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان، ممنوعیت محتوای مجرمانه سایبری را به طور جدی با طرح‌هایی سراسری با عنوان دیواره آتش ضدخروش و با سنگین‌ترین جریمه‌ها اجرا کرده است.

نظارت گسترده در انگلیس

بر اساس گزارش شبکه خبری سی‌بی‌اس، بزرگ‌ترین مرکز کنترل اینترنت در اروپا به نام "جی‌سی‌ایچ کیو" در شهر لستر انگلیس قرار دارد. این مقر مرکز رصد و نظارت دولت بریتانیا و تبادل اطلاعات با دیگر کشورهاست.

"جی‌سی‌ایچ کیو" به انگلیسی‌ها امکان می‌دهد تا دسترسی افراد و آی‌پی‌ها به اینترنت را به صورت هوشمند کنترل کنند، در عین حال چندین بنیاد نظارت بر شبکه‌های اجتماعی از جمله «ای دلبیو اف» نیز در این کشور به ویژه در مورد پورنوگرافی کودکان، نژادپرستی و مسائل تروریستی فعال‌اند.

نقره داغ به سبک آلمانی

آلمان هم از سال ۲۰۱۴ به جمع کشورهایی پیوسته که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را در صورت انتشار محتوای «غیرمجاز» جریمه می‌کند.

وزارت دادگستری آلمان چندین بار پیش قانون جدیدی را ارائه کرد که بر اساس آن شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک زیر نظر قرار می‌گیرند و باید بلافاصله اقدام به حذف پیام‌های «توهین‌آمیز یا تهدیدآمیز» کنند. اکنون اگر شبکه‌های اجتماعی از حذف محتوایی که از دید دولت آلمان غیرمجاز است، خودداری کنند، این کشور آنها را تا سقف حداکثر ۵۰ میلیون یورو جریمه می‌کند.

هایکو ماس، وزیر دادگستری آلمان نیز با انتشار بیانیه‌ای در خصوص این قانون جدید گفت: این قانون استانداردهای الزام‌آوری را برای چگونگی مواجهه گردانندگان شبکه‌های اجتماعی با شکایت‌ها و التزام آنها به حذف محتوای مجرمانه تعیین می‌کند.

گزارش خبرگزاری رویترز حاکی از آن است که در صورت عدم حذف فوری محتوای غیرمجاز توسط یک شبکه اجتماعی، این کشور نمایندگان آن شرکت در آلمان را تا ۵ میلیون یورو و خود شرکت را نیز تا ۵۰ میلیون یورو جریمه خواهد کرد.

محدودیت در فرانسه

در اتحادیه اروپا، فرانسه یکی از شدیدترین نظارت‌های حکومتی بر فضای سایبری را دارد. طبق قانون‌های «هادوی» و «لوپسی» مصوب سال ۲۰۰۹، کاربران ناقض قوانین شبکه از دسترسی به آن محروم می‌شوند و علاوه بر فهرست بلندی از تارنماهای غیراخلاقی یا ایدئولوژیک مسدود، شهروندان حق جست‌وجوی برخی عبارات را در موتورهای جست‌وجو ندارند. اینترنت مدارس نیز شبکه‌های اجتماعی را محدود کرده است.

کشور ایتالیا هم رتبه پایینی در آزادی رسانه بین کشورهای اتحادیه اروپا دارد و با اینکه در فضای مجازی به عنوان کشوری تقریباً آزاد شناخته می‌شود، حریم خصوصی کاربران را رعایت نمی‌کند. اکنون دو سال است که مدیران فیسبوک به طور جدی مقامات این کشور را به انتقاد گرفته‌اند.

کنترل شبکه‌های اجتماعی در چین و روسیه

سال ۲۰۱۷، پوتین هم در نشست با مقامات روسیه اعلام کرد که قصد دارد تا شبکه‌های اجتماعی را به‌صورت جدی تحت نظارت قرار داده و به سراغ بررسی نحوه عملکرد سوءاستفاده‌کنندگان برود. پیش‌نویس قانون در این زمینه هم حاکی از جریمه نقدی سنگین و حتی تحت‌تعقیب قرار دادن خرابکاران در شبکه‌های اجتماعی است.

رهبان حزب کمونیست با برپایی «دیوار آتش بزرگ» یا همان دیوار مجازی

چین به هیچ وجه با یک اینترنت تمام غربی کنار نیامدند. در عوض اینترنت را از نو به شکل کاملاً چینی به نام «هولیان ونگ» اختراع کردند و به تبع آن شبکه‌های اجتماعی را هم به طور کامل به خدمت خود درآورده‌اند. نصب نرم‌افزار جاسوسی دولتی چین روی سیستم‌های مخابراتی موجب شده هرگونه حرکت مشکوکی در فضای مجازی و سیستم مخابراتی پیگیری شود.

اتریش، جدیدترین نمونه محدودیت

حزب ائتلافی اتریش هم که به تازگی در انتخابات پیروز شده، تصمیم گرفته تا نظارت گسترده‌ای روی سرویس‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی را آغاز کند. در این راستا مجازات جدیدی برای متخلفان در اتریش در نظر گرفته شده است که کمترین مجازات پنج سال زندان بوده و در صورت سنگین بودن جرم، حکم از پنج سال هم بیشتر خواهد شد.

حزب دست راستی اتریش پیش‌نویسی برای این قانون در نظر گرفته است که قصد دارد کشورهای بیشتری را وارد ائتلاف خود بکند.

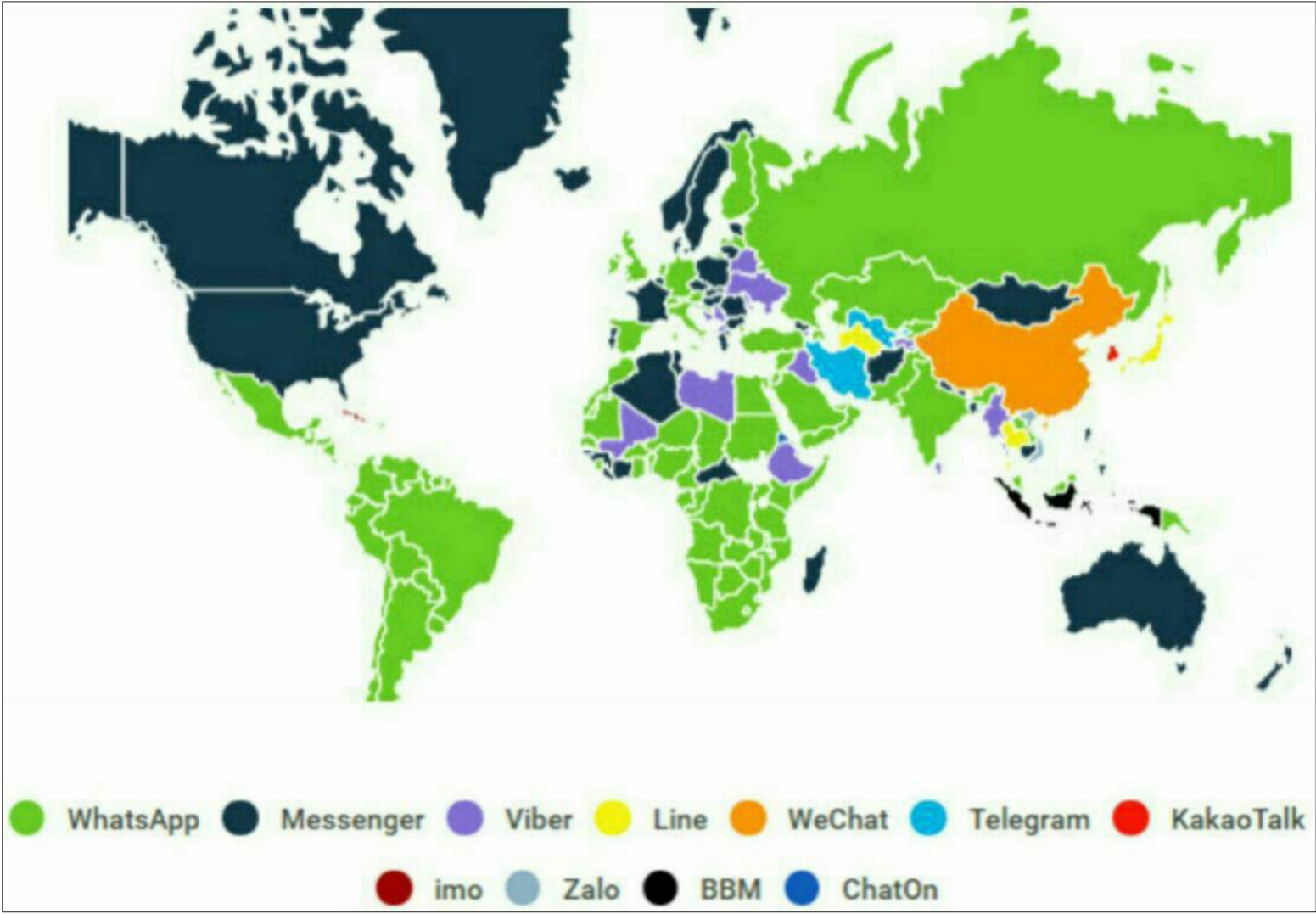
دولت اتریش هدف اصلی خود برای زیر نظر گرفتن فضای مجازی و مقابله با هکرها و قانون‌شکن‌ها را مبارزه با تروریسم و کاهش جرم و جنایت می‌داند. همان‌طور که در حمله تروریستی تهران تلگرام نقش کلیدی داشت بدون شک اقدام اخیر اتریش برای کنترل فضای مجازی بسیار مؤثر خواهد بود. مخالفان این طرح بر این باور هستند که آزادی سیاسی شهروندان نقض شده‌است و دولت حق هیچ‌گونه نظارتی بر فعالیت‌های کاربران فضای مجازی نخواهد داشت. البته حزب سوسیالیست جواب قانع‌کننده‌ای ارائه داده که این نظارت‌ها برای حفظ آرامش بیشتر همین شهروندان است و دولت قصد هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای ندارد.

امن ترین پیام‌رسان‌های رمزنگاری شده جهان کدامند؟

این روزها که بحث حریم شخصی و حفاظت از اطلاعات خصوصی کاربران در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بالا گرفته است، آگاهی از تعداد اپلیکیشن‌های پیام‌رسان رمزنگاری شده با ضریب امنیت بالا مفید و کاربردی محسوب می‌شود. به نقل از وب سایت fossbytes، این گزارش به بررسی مختصری درباره معروف‌ترین اپلیکیشن‌های پیام‌رسان امن با قابلیت رمزنگاری پیشرفته می‌پردازد. فهرست زیر به مجموعه پیام‌رسان‌های امن و رمزنگاری شده‌ای اشاره دارد که در جهان به خاطر حفظ حریم شخصی کاربران مشهور و محبوب شده‌اند:

۱. سیگنال (Signal)

اپلیکیشن پیام‌رسان سیگنال که برای نخستین به منظور در دسترس قرار گرفتن عموم مردم و کاربران در سال ۲۰۱۴ میلادی توسعه و منتشر شد، همواره بعنوان یکی از امن‌ترین پیام‌رسان های جهان نامیده می‌شود. دلیل امن بودن این پیام‌رسان آن است که از قابلیت Encryption End- to End یا رمزنگاری پیشرفته بهره‌مند است و مکالمات صوتی و تصویری و همچنین پیام های متنی کاربران در پلت‌فرم اپلیکیشن سیگنال به صورت کاملا محرمانه و خصوصی باقی خواهد ماند. این بدان معناست که هیچ نهاد امنیتی، اطلاعاتی و



دولتی در هیچ کشوری نمی تواند اطلاعات خصوصی کاربران را رصد و به آنها دسترسی پیدا کند.اپلیکیشن سیگنال را که بسیاری از کارشناسان، برادر دو قلوی پیام‌رسان تلگرام معرفی می‌کنند، ظاهر و قابلیت‌های مشابهی با تلگرام دارد. نرم‌افزار سیگنال قابلیت نصب بروی سیستم عامل ویندوز رایانه و همچنین از طریق وب (مرورگر کروم) را نیز داراست. این پیام‌رسان که در جایگاه نخست پیام‌رسان‌های امن جهان جای گرفته است، تجربه لذت بخشی را برای کاربرانش به ارمغان می‌آورد.

۲. واتس اپ (whatsapp)

اپلیکیشن پیام‌رسان واتس اپ که یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین پیام‌رسان‌های جهان است، نیز از قابلیت End- to End Encryption یا رمزنگاری پیشرفته پشتیبانی می‌کند و از پروتکل‌های پیشرفته‌ای برای حفظ حریم شخصی کاربرانش برخوردار است.

این اپلیکیشن که برای تمامی سیستم‌های عامل اندروید، iOS و ویندوز قابل استفاده است، در سال ۲۰۱۶ میلادی لقب پرکاربردترین پیام رسان جهان را گرفت. واتس اپ از آن جهت ضریب امنیت سایبری بالایی دارد که مکالمات و اطلاعات مبادله شده میان کاربران و مخاطبان به صورت کامل محافظت شده بوده و مکالمات و اطلاعات شخصی و خصوصی آن‌ها از سوی نهادهای دیگر قابل رصد و ردگیری نخواهد بود.

شرکت فیس‌بوک با در اختیار گرفتن و تصاحب شرکت واتس‌اپ در سال

۲۰۱۴، ۱۹ میلیارد دلار کسب کرد و از آن زمان تاکنون نیز با معرفی و افزودن قابلیت‌های جدید بدنبال جذب و حفظ طرفداران این پیام‌رسان محبوب بوده است .طبق تازه‌ترین آمار منتشر شده در ژانویه ۲۰۱۸، پیام‌رسان واتس اپ هم اکنون میزبان حدود ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون کاربر فعال در ماه است.

۳. تلگرام (telegram)

اپلیکیشن پیام‌رسان تلگرام هم که در سال‌های اخیر از محبوبیت و استقبال بی‌نظیری از سوی کاربران بهره‌مند شده است، از سرعت و امنیت بالایی برخوردار است و علاوه بر پروتکل های رمزنگاری پیشرفته یا end-to-end encryption از قابلیت دیگری همچون مکالمه محرمانه (secret chat) برخوردار است.

تلگرام در ماه‌های گذشته، به علت عدم همکاری با کشورهایایی همچون دولت روسیه برای انتقال سرورهایش به این کشور و همچنین تحویل اطلاعات شخصی کاربرانش به نهادهای اطلاعاتی، متحمل جریمه‌های هنگفت و تهدید به فیلترینگ شده است. طبق آخرین آمار منتشر شده در ژانویه ۲۰۱۸، پیام‌رسان تلگرام میزبان بالغ بر ۱۰۰ میلیون کاربر فعال در ماه بوده است.

۴. تریما (Threema)

اپلیکیشن پیام‌رسان تریما که رتبه سومین پیام رسان امن در جهان را از آن خود کرده است، تاکنون بیش از یک میلیون بار از فروشگاه‌های اینترنتی اپ

استور اپل و پلی استور گوگل دانلود و نصب شده است. البته لازم به ذکر است که این پیام‌رسان با سایر اپلیکیشن‌های مشابه خود در یک امر متمایز است و آن هم پولی بودن آن است. تریما با قیمت ۲.۹۹ دلار آمریکا قابل دانلود و استفاده کاربران است و برای آن‌ها درگاه امنی را به ارمغان می‌آورد.

بنابر ادعای این پیام‌رسان، تمامی امکانات لازم برای جلوگیری از دسترسی هکرها و نهادهای اطلاعاتی و به طور خلاصه نفوذ هرگونه شخص ثالثی به حریم شخصی کاربران فراهم آورده شده است. این اپلیکیشن نیز از قابلیت end-to-end encryption بهره‌مند است و تمامی پیام‌های متنی و صوتی بلافاصله پس از ارسال به مخاطب، از حافظه سرورهای این پیام‌رسان حذف می‌شوند.

۵. ویکر می (Wickr Me)

این پیام‌رسان نیز همانند موارد پیشین، از قابلیت end-to-end encryption یا رمزنگاری پیشرفته برخوردار است و از دو سیستم عامل اندروید و iOS پشتیبانی می‌کند. کاربران از طریق این پیام‌رسان قادر خواهند بود تصاویر، ویدیو و پیام‌های متنی کاملا خصوصی و محرمانه‌ای بفرستند و خیالشان از امنیت آن راحت باشد.

۶. سایلنس (Silence)

یکی دیگر از پیام‌رسان‌های امنی که در این رتبه بندی جای گرفته است، نرم‌افزار ارسال پیام سایلنس (Silence)نام دارد که از قابلیت encryption یا رمزنگاری پیشرفته برخوردار است.سایلنس که در هر دو سیستم عامل اندروید iOSوجود دارد، تنها یک پلت‌فرم ارسال پیام متنی یا SMS است که نیاز به اتصال به شبکه جهانی اینترنت وای فای یا دیتا ندارد. همچنین کاربران نیاز به ثبت نام و لاگین در این اپلیکیشن ندارند.اپلیکیشن سایلنس به صورت کاملا رایگان قابل دسترسی کاربران است و تجربه امنی برای ارسال پیام‌های متنی را برایتان فراهم می‌کند.

۷. وایبر (Viber)

اپلیکیشن پیام‌رسان وایبر که در سال ۲۰۱۲ میلادی برای نخستین بار پا به عرصه پیام‌رسان‌های جهان گذاشت، در آخرین به‌روزرسانی‌هایش قابلیت end-to-end encryption یا رمزنگاری پیشرفته را به خود افزود و بدین ترتیب، محبوبیت خود را در میان کاربران افزایش داد. این پیام‌رسان برروی تمامی سیستم‌های عامل اندروید، مک، ویندوز و iOS قابل اجرا و دسترسی است.

۸. داست (Dust)

در نهایت، به آخرین اپلیکیشن پیام‌رسانی می‌رسیم که رتبه هشتم این فهرست و رده‌بندی را به خود اختصاص داده است. این اپلیکیشن نیز همانند رقیبان خود از قابلیت end-to-end encryption یا رمزنگاری پیشرفته بهره‌مند است.

پیام‌های رد و بدل شده در این پیام‌رسان، به هیچ عنوان برروی حافظه سرورهای آن باقی نمی‌ماند و بلافاصله لحظاتی پس از دریافت پیام توسط مخاطب موردنظر، برای همیشه پاک می‌شوند.

نوموفوبیا بیماری زندگی بدون موبایل

بر کسی پوشیده نیست روز به روز نقش فناوری در زندگی ما پر رنگ‌تر می‌شود، در کنار ساده‌تر کردن زندگی، برخی از این فناوری‌ها باعث بروز مشکلاتی نیز می‌شوند که یکی از آن‌ها گوشی‌های موبایل است. به هر طرف که نگاه می‌کنید، اطرافیان و حتی خود ما، اغلب اوقات در حال استفاده از گوشی موبایل خود هستیم. در ادامه به بررسی این موضوع و معضلات آن از نگاه علمی می‌پردازیم.

بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت، حرفه و حتی وضعیت معیشتی، احتمالاً شما نیز یک گوشی هوشمند تهیه کرده‌اید. در حقیقت طبق یافته‌های یک پژوهش، ۵۶ درصد کل شهروندان آمریکا، دست کم دارای یک گوشی موبایل هستند. گوشی موبایل، کامپیوتر، تبلت و دیگر فناوری‌های جدید، نظیر ساعت هوشمند؛ برای برخی افراد نه تنها یک دستگاه، بلکه بهترین دوست است.

آیا تاکنون احساس کرده اید گوشی موبایلتان ویریه می‌کند اما با خارج کردن آن از جیب خود، متوجه شوید نه کسی با شما تماس گرفته و نه پیامی دریافت کرده‌اید؟!

بسیاری از افراد در صورتی که به گوشی خود، حتی برای دقایقی دسترسی نداشته باشند، دچار اضطراب می‌شوند. ما از گوشی‌های موبایل برای «براز علاقه» تا امور بانکی و به اشتراک گذاری تصاویر استفاده کنیم. ما می‌توانیم تنها با یک گوشی موبایل، در جای خود بنشینیم و بسیاری از امور روزمره زندگی را انجام دهیم.

بهبتر است کمی این بحث را به صورت خودمانی تر باز کنیم و از دید شخص سوم به این مسئله نگاه نکنیم. پس نسبت به آنچه که گفته می‌شود احساس غریبی نکنید و خیلی متعجب نشوید. شما می‌دانید که خودتان چگونه‌اید. برای بسیاری از ما هنگام غذا خوردن، نوشتن پیام‌های متنی، چک کردن ایمیل، توئیته‌ها و فیسبوک به اموری عادی مبدل شده است. حتی اگر به سالن‌های تئاتر و سینما سر بزنید، آنجا هم یک عده گوشی خود را در دست گرفته‌اند. بسیاری از افراد حین غذا خوردن یا تماشای فیلم، از گوشی موبایل خود نیز استفاده می‌کنند. حتی این روزها، افراد مختلفی، گوشی‌های خود را به توالت هم می‌برند. در طول شام، در اماکن مذهبی، برگزاری مراسم‌های مهم و حتی گفتگوی چهره به چهره، گوشی‌های موبایل امکان ارتباط با دیگران را به شما می‌بخشند. اما مطمئناً این ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. اکنون آمریکایی‌ها حتی گوشی‌های خود را به رخت خواب نیز می‌برند، بله درست حدس زده‌اید، استفاده از گوشی موبایل حین رابطه جنسی نیز رواج یافته است. طبق نتایج پژوهشی که اخیراً انجام شده، از هر ۱۰ نفر، یکی از آن‌ها در رخت خواب از گوشی موبایل استفاده می‌کند. خطر پیام نوشتن حین رانندگی، شش برابر مصرف الکل است.

اما رخت خواب تنها جای خصوصی نیست که گوشی‌های موبایل به آن راه یافته‌اند، طبق پژوهشی دیگر، مشخص شده که ۱۲ درصد افراد مورد مطالعه قرار گرفته از گوشی‌های خود طی دوش گرفتن نیز استفاده می‌کنند. بدتر آنکه بیش از ۵۰ درصد مردم از گوشی‌های خود حین رانندگی استفاده می‌کنند که ریسک حادثه زایی آن، تا شش برابر بیشتر از مصرف الکل است.

در پاسخ به این پرسش که تا چه حد به گوشی خود وابسته هستید، بسیاری از افراد اظهار داشته‌اند که باید همیشه آن را با خود داشته باشند. این مسئله اکنون دیگر از یک وابستگی معمولی فراتر رفته و همین افراد اگر برای مدتی، حتی بسیار کوتاه به گوشی موبایل خود دسترسی نداشته باشند، دچار وضعیت ناخوشایندی می‌شوند که مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و حتی روانپزشکان قرار گرفته است. برای حالت ناخوشایند

ناشی از عدم دسترسی به گوشی موبایل، نام «Nomophobia» انتخاب شده که برگرفته از no-mo(bile)phone-phobia یا «هراس ناشی از دسترسی نداشتن به گوشی موبایل» است. فوبیا به معنای ترس و هراس است. هنگامی که این حالت به شخص دست می‌دهد، از عدم ارتباط با دوستان، اعضای خانواده و هر شخص دیگری، دچار بی‌قراری و نآرامی می‌شود.

نوموفوبیا ترسی است که در پی جدایی از گوشی، به شخص دست می‌دهد. نوموفوبیا لزوماً با گم شدن گوشی یا گرفتن آن از شخص رخ نمی‌دهد؛ بلکه عدم آنتن دهی و اتمام شارژ باتری نیز می‌تواند باعث بروز آن شود. برای نمونه تنها دقایقی ارتباط با اینترنت مختل شده و فرد عصبانی و بی‌قرار می‌شود.

این مشکل تنها دامن گیر شهروندان ایالات متحده نیست و طبق یک پژوهش دیگر، ۴۱ درصد بریتانیایی‌ها نیز در صورت جدایی از گوشی موبایل یا تبلت خود، احساس اضطراب و بی‌قراری می‌کنند. ۵۱ درصد ار کل افراد مورد مطالعه قرار گرفته، به رنج بردن از اضطراب عدم دسترسی به گوشی موبایل اذعان کرده‌اند. اکثریت افراد مورد مطالعه اظهار داشته که در چنین حالتی نسبت به آنچه می‌تواند در حال رخ دادن باشد، دچار بی‌قراری و نگرانی می‌شوند.

بر اساس یافته‌های مطالعه دیگری، ۷۰ درصد زنان دچار اضطراب ناشی از جدایی از گوشی موبایل می‌شوند. در آن سو ۶۰ درصد مردان نیز دچار نوموفوبیا می‌شوند. بنابراین احتمالاً به زودی نوموفوبیا در لیست DSM یا طبقه‌بندی رفتارهای ناهنجار روانی قرار می‌گیرد. اما چه این اتفاق رخ دهد یا نه، اضطراب ناشی از گوشی‌های موبایل و فقدان آن‌ها، مشکلی کاملاً جدی و واقعی است. ما گوشی‌های موبایل را به عنوان بخشی از وجود خود و بهترین دوستان می‌دانیم، بنابراین از دست دادن آن، حالتی مشابه از دست دادن بهترین دوستان را ایجاد می‌کند.

وابستگی به گوشی‌های موبایل از جنبه اجتماعی نیز جلب توجه می‌کند، برای بسیاری از افراد مهم نیست گزارشی را که رئیس شان از آن‌ها خواسته ساعت ۱۰ بر

روی میز باشد، به موقع آماده نشود اما برای آن‌ها بسیار مهم است که بدانند عروس خانواده سلطنتی بریتانیا صاحب فرزند دختر شده یا پسر. بنابراین هیچ دور از انتظار نیست که ۷۵ درصد شرکت کنندگان در این مطالعه اظهار داشته‌اند همواره گوشی خود را در فاصله کمتر از ۱٫۵ متری خود نگه می‌دارند.

هر چیزی می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد، حتی گوشی‌های موبایل. همزمان که فرهنگ ما روز به روز فناوری‌های نو ظهور را می‌پذیرد و تشنه فناوری است، مکان‌هایی که استفاده از گوشی موبایل در آن‌ها بلامانع است، بیشتر و بیشتر می‌شود. بنابراین هیچ عجیب نیست که روزی سر کلاس درس استفاده از موبایل بلامانع باشد. به زمانی بازگردید که نه تنها مصرف سیگار در اماکن عمومی آزاد بود، بلکه حتی حین پروازهای هوایی نیز منعی برای استعمال دخانیات وجود نداشت. در حالی که مخالفت اطرافیان با سیگار کشیدن رو به افزایش بود، مکان‌های بلامانع به طرز متناقضی شده‌افزایش یافتند. اکنون در بسیاری از مکان‌ها، بخش ویژه‌ای برای استفاده از موبایل در نظر گرفته و درست همانند سیگار، استفاده از موبایل در آنجا منعی ندارد.

احتمالاً تا اینجای بحث به خوبی متوجه حالتی شده‌اید که از آن به عنوان نوموفوبیا یاد می‌شود و حتی می‌توانید به نمونه‌های مشهودی از آن اشاره کنید. اما معیار تشخیص وابستگی به موبایل چیست، آیا خود ما یا حتی کسی میان اطرافیان ما به نوموفوبیا مبتلا است؟ احتمالاً علائمی که در ادامه مطرح می‌شود برای شما خیلی نا آشنا نباشد.

احساس بی‌قراری در صورت عدم دسترسی فیزیکی به گوشی موبایل.

چک کردن مداوم گوشی به صورت جبری برای اطلاع از پیام‌های دریافتی احتمالی.

سندروم ویریه خیالی، آیا تاکنون برای شما پیش آمده است که احساس کرده باشید گوشی موبایلتان ویریه می‌کند اما پس از خارج کردن آن از جیب خود، متوجه شوید که نه کسی با شما تماس گرفته و نه پیامی دریافت کرده‌اید! این یکی از علائم جدی وابستگی به موبایل است.



متوجه گفته مخاطبتان نمی‌شوید (نمی‌شنوید!)، اگر دیگران با شما صحبت می‌کنند اما شما سرگرم گوشی خود هستید و چیزی از گفته‌های آن‌ها متوجه نمی‌شوید.

فراموش کردن گوشی، گوشی خود را در هر مکانی که فراموش کنید، حتی اگر اتاق شخصی شما باشد، بدون هیچ وقفه‌ای باز می‌گردید. افت تحصیلی، افت تحصیلی نوجوانان و کودکان می‌تواند رابطه مستقیمی با گوشی موبایل یا تبلت داشته باشد. محدودسازی آن‌ها می‌تواند موثر باشد! اگر به صورت جبری و پیاپی دائماً در حل چک کردن گوشی خود هستید یا در صورتی که نزدیک شما نباشد دچار بیقراری و اضطراب می‌شوید، این احتمال وجود دارد که دچار وابستگی یا اعتیاد به فناوری شده‌اید، نگران نباشید! فعال‌نیازی به درمان‌های پیچیده و زمان بر نیست اما پیش از هر چیز باید با خودتان رو راست باشید و بپذیرید که دچار وابستگی به موبایل شده‌اید، در غیر این صورت همه چیز بی‌فایده خواهد بود.

درمانگر خودتان باشید!

هر دردی درمانی دارد و قطعاً می‌توان نوموفوبیا را هم درمان کرد. در این صورت رعایت نکات ساده زیر به شما کمک می‌کند به زندگی عادی بازگردید، زمانی که گوشی‌های موبایل زندگی شما را به کنترل خود در نیاورده‌بوندند!

۱. نوشتن پیام حین رانندگی ممنوع، یک قانون برای خودتان تعریف

کنید و حین رانندگی، نوشتن پیام را به کلی منع کنید.

۲. ورود ممنوع، گوشی موبایلتان را به هر مکانی از جمله رخت خواب، حمام و توالت راه ندهید.

۳. به کارتان اهمیت بدهید، حین کار کردن، گوشی خود را کنار بگذارید و همه‌امور کاری را تنها از طریق تلفن ثابت انجام دهید.

۵. پیش از خواب موبایل ممنوع، از این پس دیگر تا وقتی که به خواب می‌روید، به صفحه نمایش گوشی خود زل نزنید. درست است که فیسبوک و تلگرام و تویتر یا گتتگو با دوستان، جذابیت و لذت خاص خود را دارد، اما با بستن چشمانتان به خواب فرو بروید و نه زل زدن به نمایشگر تا خواب رفتن. بنابراین گوشی خود را خاموش کنید. نیازی نیست که ساعت ۴ با مواد پیام‌های خود را چک کنید.

۶. حالت بی‌صدا یا ویریه ممنوع؛ فقط خاموش، هنگامی که با دوستان خود هستید، گوشی خود را به طور کامل خاموش کنید، چرا که ویریه با حالت عادی هیچ فرقی ندارد و بازهم گوشی خود را در دست خواهید گرفت، بی‌صدا که بدتر است و دائماً به احتمالات فکر می‌کنید.

۷. توافق در ملاقات، اگر به هر نوع ملاقاتی می‌روید، با طرف مقابل هماهنگ کنید که گوشی‌هایتان را برای مدت مشخصی یا تا پایان ملاقات، خاموش کنید. همچنین می‌توانید بازه‌هایی نظیر هر ۱ ساعت را برای روشن کردن و چک کردن آن، تعریف کنید.

۸. تریک می‌گوییم، سرانجام اگر موفق به انجام توصیه‌های فوق شده‌اید؛ بدون آنکه دچار بی‌قراری، نگرانی و عصبانیت شوید، اکنون می‌توانید گوشی خود را در منزل رها کنید، البته می‌توانید این جدایی را در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر آغاز و سپس افزایش دهید، برای نمونه در فواصل کوتاهی که از منزل خارج می‌شوید، گوشی خود را رها کنید، سپس سعی بر سپری کردن یک روز کامل بدون گوشی موبایلتان کنید، مطمئن باشید دنیا به آخر نمی‌رس

چرا همدیگر را قبول نداریم؟

دکتر محمود سریع القلم

دلیل یک. به نظر می رسد افراد از طریق تجربه، یاد می گیرند که برای بسیاری از کارهای مثبتی که انجام می دهند، جواب مناسبی دریافت نمی کنند، آنها در نوجوانی و جوانی به تدریج می آموزند که کارهای زیر، خیلی فایده و عاقبتی ندارند: خوبی کردن، رعایت کردن، ملاحظه کردن، منصف بودن، جبران کردن، احترام گذاشتن، جا باز کردن برای دیگران، توانایی دیگران را تقدیر کردن، سهم برای دیگران قابل شدن، انجام وظیفه نسبت به دیگران، نوبت را رعایت کردن، حریم شخصی افراد را ملاحظه کردن، با ادب بودن، وقت گذاشتن، سر موقع رسیدن، گره ای را از دیگران باز کردن، پول قرض دادن، حمایت کردن، بد نگفتن، بدی شخصی را نخواستن، کمک کردن و صدها کار مثبت دیگر.

وقتی افراد از همسایه، دوست، همکار، محیط کار و دستگاه های اجرایی در برابر کارهای مثبتی که انجام می دهند، جواب شایسته نمی گیرند راه خود را می روند و سپس به تدریج از خود می پرسند: چرا باید رعایت کنم و وقت بگذارم وقتی از طرف مقابل برخورد مثبتی نمی بینم، نتیجه آنکه، جامعه مدنی شکل نمی گیرد و افراد به گروه های بسیار کوچک رو می آورند؛ آنچه جامعه شناسان بدان، ذره ذره شدن جامعه می گویند (Atomization). جبران کردن (Reciprocation) و انتظار جبران داشتن، جزئی از طبع بشر است. وقتی به شخصی که انومبیل خود را نه دوبله بلکه در ردیف سوم در خیابان پارک کرده می گویند: لطفاً قدری جلوتر پارک کنید تا مزاحم رفت و آمد مردم نشوید و پاسخ می شنوید: من هر جا دوست داشتم پارک می کنم، خودبخود و اتوماتیک می آموزید، رعایت کردن معنا ندارد. افراد تجربه می کنند که به طور واقعی و جدی، دیگران را قبول نکنند و حداقل این است که بی تفاوت شوند؛ دلیل دو. ساختارهای بسیار قدیمی، دو خصلت نسبتاً پایداری را در افراد شکل داده اند: حذف و انحصار. چون افراد رعایت یکدیگر را نمی کنند و مرتب حریم ها را می شکنند، دو خصلت، حذف دیگران و ایجاد انحصار جایگزین رفتار معقول و تعامل معقول می شوند. افراد نسبت به همه شهروندان، احساس وظیفه نمی کنند بلکه در گروه های بسیار کوچک، هوای همدیگر را دارند. وقتی شخصی خارج از یک گروه است و مورد وثوق و اعتماد نیست، حذف می شود. افراد در درون و ناخودآگاه به خود می گویند: شخصی را قبول کنم که برای "من" فایده ای داشته باشد. حذف و انحصار باعث می شود تا "ما" شکل نگیرد و ارتباطات اجتماعی خلاصه شود در: من و دوستان من. در فرهنگ شرق آسیا، مفاهیمی مانند: ما، جمع، عامه، عموم و مردم بسیار مقدس هستند و به همین دلیل Panasonic، LG، Samsung، Toyota می گیرند. زیمنس و بنز بر اساس تفکرات لیبرالی شکل گرفته اند اما پاناسونیک و سامسونگ بر اساس تفکرات کنفوسیوسی به وجود آمده اند. هم آلمانی ها و هم ژاپنی ها، در رعایت کردن حدود و حقوق یکدیگر، تجربه مثبت کسب می کنند و می آموزند که همدیگر را قبول کنند و اعتماد کنند. آنقدر افراد رعایت هم را می کنند که حذف و انحصار بی معنا می شوند. وقتی فرد اولویت داشته باشد، قهرمان شدن

و خودنمایی نیز رشد می کنند. خودخواهی و Ego همه جا سایه می افکنند. وقتی درک دیگران، فهم دیگران و رعایت دیگران اهمیت نداشته باشند، خود بزرگ بینی و خود بزرگ پنداری ناخواسته پرورش پیدا می کنند. چرا در کشورهای جهان سوم علم و دانش رشد نمی کند؟ چون افراد حاضر نیستند بر آنچه دیگری انجام داده صحه بگذارند و آجری بر روی آجرهای گذشته بگذارند. چرا رنسانس علمی در اروپا صورت گرفت چون هر اندیشمندی و مخترعی، کار قبلی را گرفت و بر روی آن بنا کرد. او را نقد کرد ولی حذف نکرد. نظر قبلی را گرفت و آن را بهتر کرد. چرا گفته می شود چهار مرحله از انقلاب صنعتی داشته ایم چون به عنوان مثال، نسل دومی ها بر کارهای نسل اولی های کامپیوتر، بنا کردند، آنها را حذف نکردند، یکدیگر را نابود نکردند، تخریب نکردند بلکه آنرا بهبود بخشیدند تا صنعت کامپیوتر که زمانی در IBM خلاصه شده بود امروز به نرم افزار Blockchain تبدیل شود. در کشورهایی که "جمع" شکل نگرفته، تجربیات منقطع هستند، مرتب اشتباهات گذشتگان تکرار میشوند، هر فردی به دنبال دکان خودش است، ارتباط و اتصال و تلاوم نیست. محمدرضا شاه از پدرش نیاموخت که مدیریت یک کشور نمی تواند یک نفره باشد. جمعی فکر و عمل نکرد. آنقدر حذف کرد و انحصار ایجاد کرد که در نهایت نتوانست انبوهی از مسایل غفلت شده را حل کند؛

دلیل سه. افراد اگر یکدیگر را قبول کنند، مجبور می شوند در کار و پیشبرد کار Share کنند و شریک پیدا کنند. Share کردن یعنی جمعی فکر کردن. جمعی کاری را انجام دادن. جمعی مشکلی را حل کردن. این از ابهت و شوکت افراد می کاهد. نمی توانند قهرمان شوند و خودنمایی و خودبزرگ پنداری را به نمایش بگذارند (Self-obsession). در چنین شرایطی، فرد خیلی مهم تر از جمع است و خیلی جلوتر از جمع حرکت می کند. کار، حل موضوع، سازمان، جامعه و کشور خیلی اهمیت ندارند؛ فرد و عظمت فرد مهم است. این فرهنگ به مریدپروری منجر می شود. Share کردن یعنی نفی فرد و اهمیت جمع. علاوه بر این، افرادی که اهل Share کردن هستند دو ویژگی را در خود به صورت غیر مستقیم ایجاد میکنند: اول، اخلاقی تر می شوند و خودخواهی های آنها کاهش پیدا می کند و دوم، بیشتر یاد می گیرند چون با صدای بلند اعلام می کنند: من خیلی مسایل را نمی دانم. به من بیاموزید. ممکن است فقط کسری از مسایل را بفهمم، شاید بدانم، شاید هم ندانم. این گونه افراد به طور واقعی متواضع می شوند و آداهای مصنوعی تواضع را نمی توانند از خود نشان دهند. Share کردن و خصلت Share کردن در جوامعی یافت می شود که جمع مقدم بر فرد باشد و حقوق اکثریت، مقدم بر خودخواهی های فردی باشد؛ دلیل چهار. در جاهایی افراد یکدیگر را قبول ندارند که تفاوت میان نظر (Opinion) و تخصص (Expertise) را نمی دانند. همه انسان ها حق دارند نظر بدهند و از مطالعات و تجربیات و مشاهدات خود استفاده کنند. ولی تصمیم سازی و تصمیم گیری صرفاً در دایره افراد متخصص انجام می پذیرد. در جاهایی که تخصص مناسب است، افراد، متخصصین را می پذیرند و قبول می کنند. تخصص از سه

طریق قابل شناسایی است: ۱) تحصیلات کیفی (و نه ضرورتاً مدرک)، ۲) تجربه و ۳) تولید متون. داشتن مدرک با متخصص شدن متفاوت است. دانشگاه و محل تحصیل، سطح دانش اساتیدی که یک فرد تحصیل کرده در معرض آنها قرار گرفته تعیین کننده هستند. هر فردی که مدرک دکتری داشت دلیل بر تخصص او نیست. در کشورهای غربی، دانشگاه هایی هستند که اگر فردی چندبار به آنها سر بزند، حضور فیزیکی داشته باشد و احیاناً گپی با چند استاد تدارک ببیند، در مدتی کوتاه، دکتری هم میتواند بگیرد. از افراد باید پرسید: شما کدام دانشگاه درس خوانده اید؟ اساتید شما چه کسانی بوده اند؟ کدام متون را خلق کرده اید؟ تولید انبوه مدرک داران باعث می شود که آنها، دیگران را قبول نداشته باشند چون خود، مجوز اظهار نظر پیدا کرده اند. وقتی مدرک داران ده ها برابر تحصیل کرده ها می شوند و هرم تخصص و دانش و کیفیت تحصیل اصالت خود را از دست می دهند، شرایط به گونه ای شکل می گیرد که همه خود را حداقل در داشتن دکتری مساوی می دانند. در کشوری که راحت دکتری می دهند، به تدریج تخصص از بین میرود. وقتی دانشگاه های گلابی (ضعیف و کم کیفیت) گسترش پیدا می کنند، معنای تخصص از میان می رود و غرور کاذب فردی رشد می کند. جامعه ای که تفاوت میان مدرک دارها و تحصیل کرده ها را بلداند، به معنای تخصص هم پی می برد. وقتی فردی در لابلای ده ها کار و سمت اجرایی از دانشگاهی که رتبه جهانی ۹۰۰۰ دارد دکتری می گیرد طبعاً ادعا پیدا می کند و دیگران را هم قبول ندارد در حالی که نه درست کلاس رفته، نه درست متون خوانده، نه درست دانشجو بوده

و نه درست تحقیق انجام داده ولی مدرک دکتری به او مجوزی می دهد که "لیست کردن مشکلات جامعه" را به عنوان علم و تخصص به دیگران تحویل دهد. درست درس خواندن در متخصص شدن بسیار کلیدی است. آیا این چهار دلیل، تقدم و تأخر دارند؟ اصلاح امور از کجا شروع می شود؟ دوره حل و راهبرد قابل طرح است: یکی تخصصی شدن تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها و خروج از مرید پروری، فرهنگ حذف و حلقه های انحصار و دوم، تشخیص، اجرا و پرورش فرهنگ مدنی. آموزش گسترده مدنیت برای رعایت حقوق یکدیگر، حساس بودن به قول، وفای بعهد و جا باز کردن برای یکدیگر. تحقق این امور، سهل نیستند. صرفاً با سخنرانی هم بوجود نمی آیند. دهه ها طول کشید تا اروپایی ها به سرمایه اجتماعی همکاری و اعتماد متقابل دست یابند. آسیایی ها این سرمایه اجتماعی را در مکتب کنفوسیوس یافتند. اصل در این چهار دلیل، دستیابی به جمع است. سرمایه، فناوری، صنعت، رشد اقتصادی، مزیت نسبی و تولید ثروت عموماً در قالب سرمایه اجتماعی جمع قابل تحقق هستند. آلمان، ژاپن و اخیراً کره جنوبی نمونه های بارز این واقعیت هستند. هیچ کشوری نم ی تواند بدون تئوری پیشرفت کند. مبنای این تئوری، ایجاد سرمایه های اجتماعی - فرهنگی هستند: تعامل، اعتماد، همکاری، برای یکدیگر جا باز کردن و رعایت حدود یکدیگر. سپس با این زیربنا میتوان به شاخص های رشد و توسعه اقتصادی و سپس آزادی دست یافت. مسئولیت این تشخیص و تغییر نزد نخبگان سیاسی است.



